

## فرزندآوری

### مقدمه

امروزه بسیاری از کشورها در حالت عدم تعادل جمعیتی قرار دارند، از یک سو کشورهای در حال توسعه با مشکلات و مسایل رشد بی رویه جمعیت دست و پنجه نرم می کنند و از سوی دیگر جوامع توسعه یافته از نتایج منفی شدن رشد جمعیت و سالخوردگی جمعیت رنج می برند. به عبارت دیگر، اکثریت کشورهای جهان به نوعی با مسائل ناشی از عدم تعادل جمعیتی مواجه اند.

همانگونه که می دانیم اولین و مهمترین وظیفه هر مسئول ارشد جامعه، صیانت و اعتلاء جامعه است و حفاظت جامعه منوط به بقای نسل است. حال اگر به منابع داخلی و بین المللی مراجعه شود به اطلاعاتی بر می خوریم که زمینه ساز نگرانی است. ایران در حال حاضر از باروری طبیعی (منظور جامعه ای است که در آن استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی رایج نیست و زاد و ولد کنترل نشده است) به یک باروری ارادی (منظور جامعه ای است که در آن استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی رایج شده و زاد و ولد حالت کنترل شده پیدا نموده است) رسیده است. با فرض اینکه سیاست جمعیتی کشور بیست و اندی سال پیش با دید کارشناسی تهیه شده باشد، بدیهی است که پس از گذشت این مدت، بررسی سیاست ها، ارزیابی نتایج و امکان تجدید نظر احتمالی تقویت شده باشد.

یک شاخص شناخته شده زاد و ولد، نرخ باروری کل (T.F.R) است. منظور از نرخ باروری کل، تعیین تعداد فرزندان است که جانشین والدین می شوند. اگر این شاخص در حد ۲/۱ بچه یا کمتر باشد به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسلی است. با مراجعه به ارقام مرکز آمار ایران و سازمان ملل در سال ۱۳۸۵ این رقم برای کل کشور ۱/۸ فرزند بوده است. یعنی ۱۸ فرزند با ۲۰ نفر والدین جایگزین می شدند که ۲ نفر کمتر از حد جانشینی است. این رقم در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱/۶ فرزند برای هر مادر رسیده است. در صورت تداوم این روند فرزندآوری در کشور، بنا به گفته کارشناسان و متخصصان، موضوع سالخوردگی جمعیت و انقراض تدریجی نسل مطرح و با ملحوظ داشتن عامل مهاجرت تقویت می شود.

این مطالعه در پی تشریح چالش ها و مسائل جمعیتی پیش روی جامعه ایران و ارائه راهکارهایی متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور می باشد که در چهار فصل تنظیم شده است.

فصل اول این مقاله تبعات منفی ناشی از کاهش نرخ فرزندآوری در ایران را مورد بررسی قرار داده است.

در فصل دوم به آسیب شناسی و علل و عوامل زمینه ساز کاهش جمعیت در کشور پرداخته شده است.

در فصل سوم پیشنهادات و راهکارهایی جهت افزایش جمعیت و رسیدن آن به حد مطلوب، ارائه شده است.

فصل چهارم مقاله برکات و پیامدهای مثبت فرزندآوری و افزایش جمعیت کشور عزیزمان ایران را پیش روی خواننده گرامی قرار می دهد.

## فصل اول: چالش ها و مسائل ناشی از باروری زیر سطح جانشینی در ایران

"ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛ و از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم؛ آنطوری که کارشناسها بررسی علمی و دقیق کردند. اینها خطابیات نیست؛ اینها کارهای علمی و دقیق کارشناسی شده است. اگر چنانچه با همین وضع پیش برویم، تا چند سال دیگر نسل جوان ما کم خواهد شد - که امروز قاعده‌ی جمعیتی ما جوان است - و بتدریج دچار پیری خواهیم شد؛ بعد از گذشت چند سال، جمعیت کشور هم کاهش پیدا خواهد کرد؛ چون پیری جمعیت با کاهش زاد و ولد همراه است. یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند، که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است؛ اینها را بایستی مسئولین کشور به جد نگاه کنند و دنبال کنند."

(بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در خصوص جمعیت مورخه ۱۳۹۱/۰۵/۰۳)

### الف) چالش ها و مسائل جمعیتی

#### ۱) کاهش حجم و رشد جمعیت ملی

از ویژگی های الگوی مابعد انتقال جمعیتی، کاهش حجم و رشد جمعیتی است که بلاکر در سال ۱۹۴۷ از آن تحت عنوان سقوط جمعیتی یاد می کند. در جداول ۱ و ۲ نتایج پیش بینی جمعیت کشور ایران در صورت ادامه روند فعلی (نرخ های سال ۱۳۹۰) با طرح باروری متفاوت در سال پایه مطالعه شده است. همچنانکه ملاحظه می شود تداوم میزان باروری کل زیر سطح جانشینی در طول دوره پیش بینی موجب می شود که از سال ۱۴۱۵ با رشد منفی جمعیتی مواجه شویم.

جدول ۱: نتایج پیش بینی شاخص های جمعیتی ایران. ادامه روند گذشته بین سال های ۱۳۸۵ تا ۱۴۲۵ ، میزان باروری کل سال پایه: ۱/۸

سال پیش بینی	تعداد جمعیت	میزان رشد جمعیت	میزان خام موالید	میزان خام مرگ و میر	میزان باروری کل	میزان تجدید نسل خالص	میزان امید زندگی
۱۳۸۵	۷۰/۵۰	۱/۲۵	۱۸/۶	۶/۱	۱/۸	۰/۸۸	۷۱/۳
۱۳۹۰	۷۴/۷۹	۱/۱۰	۱۷/۱	۶/۱	۱/۶	۰/۷۸	۷۲/۲
۱۳۹۵	۷۸/۵۳	۰/۸۷	۱۴/۹	۶/۲	۱/۵۴	۰/۷۵	۷۳
۱۴۰۰	۸۱/۲۸	۰/۵۷	۱۲	۶/۴	۱/۴۸	۰/۷۲	۷۳/۸
۱۴۰۵	۸۲/۹۴	۰/۳۱	۱۰	۶/۸	۱/۴۱	۰/۶۹	۷۴/۷
۱۴۱۰	۸۳/۸۴	۰/۱۵	۹/۲	۷/۶	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۵/۵
۱۴۱۵	۸۴/۳۰	۰/۰۴	۹/۱	۸/۷	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۶/۳
۱۴۲۰	۸۳/۹۶	-۰/۱۲	۸/۶	۹/۹	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۷/۱
۱۴۲۵	۸۲/۹۴	-۰/۳۳	۷/۸	۱۱/۲	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۸

جدول ۲: نتایج پیش بینی شاخص های جمعیتی ایران ادامه روند گذشته بین سال های ۱۳۸۵ تا ۱۴۲۵ ، میزان باروری کل سال پایه: ۱/۹۶

سال پیش بینی	تعداد جمعیت	میزان رشد جمعیت	میزان خام موالید	میزان خام مرگ و میر	میزان باروری کل	میزان تجدید نسل خالص	میزان امید زندگی
۱۳۸۵	۷۰/۵۰	۱/۴۱	۲۰/۲	۶/۱	۱/۹۶	۰/۹۶	۷۱/۳
۱۳۹۰	۷۵/۰۲	۱/۰۹	۱۷	۶/۱	۱/۶	۰/۷۸	۷۲/۲
۱۳۹۵	۷۸/۷۷	۰/۸۷	۱۴/۸	۶/۲	۱/۵۴	۰/۷۵	۷۳
۱۴۰۰	۸۱/۵۱	۰/۵۷	۱۲	۶/۳	۱/۴۸	۰/۷۲	۷۳/۸
۱۴۰۵	۸۳/۱۸	۰/۳۱	۱۰	۶/۸	۱/۴۱	۰/۶۹	۷۴/۷
۱۴۱۰	۸۴/۱۲	۰/۱۶	۹/۳	۷/۶	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۵/۵
۱۴۱۵	۸۴/۵۳	۰/۰۵	۹/۲	۸/۷	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۶/۳
۱۴۲۰	۸۴/۳۳	-۰/۰۲	۸/۷	۹/۸	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۷/۱
۱۴۲۵	۸۳/۳۲	-۰/۳۳	۷/۸	۱۱/۱	۱/۳۵	۰/۶۶	۷۸

## ۲) کاهش قدرت تجدید نسل

به عقیده بونگارت (۱۹۹۷)، رشد طبیعی جمعیت با تحقق سه شرط به رشد صفر و منفی میل می کند:

۱- سطوح باروری به کمتر از سطح جانشینی میل کند (میزان باروری کل کمتر از ۲/۱)

۲- ساختار سنی جمعیت به سالخوردگی گرایش یابد

۳- کاهش مرگ و میر متوقف شود.

الگوی گذار باروری در ایران پس از انقلاب اسلامی، نشان دهنده تغییر از باروری خیلی بالا به باروری خیلی پایین است. از سال ۱۳۶۳ به تدریج روند کاهش باروری آغاز می شود و از ۶/۹ فرزند برای هر زن در این سال، به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ که زمان شروع مجدد برنامه های تنظیم خانواده است می رسد و از این زمان به بعد، به سرعت روند انتقالی خود را طی کرده و میزان باروری کل به ۲/۱۷ فرزند در سال ۱۳۷۹ می رسد (عباسی شوازی و مکدونالد، ۲۰۰۵) و روند کنونی آن نیز از ادامه همان روند قبلی تبعیت می کند. در سال ۱۳۸۵، میزان باروری کل برابر ۱/۸ بچه برای هر مادر بوده است. چهار استان کشور میزان باروری بین ۱/۲ و ۱/۶ فرزند و ۱۳ استان نیز باروری بین ۱/۷ و ۲/۱ فرزند داشته اند. میزان باروری کل در ۱۲ استان بین ۲/۱ و ۲/۴ فرزند بوده و تنها استان های هرمزگان با میزان باروری کل ۲/۵ و سیستان و بلوچستان با باروری کل ۳/۷ فرزند بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده اند (عباسی و دیگران، ۲۰۰۶).

### ۳) افزایش میانه سنی و سالمندی جمعیت

از دیگر ویژگی های دومین انتقال جمعیتی (کاهش مداوم باروری و افزایش امید زندگی)، افزایش میانگین سنی جمعیت جامعه است. بر اساس برآوردهای به عمل آمده، میانه سنی در ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۳ سال بوده است که این شاخص در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۱ و در سال ۱۴۳۰ به بیش از ۴۰ افزایش خواهد یافت. کاهش میزان مرگ و میر و به دنبال آن کاهش میزان مولید، باعث افزایش امید زندگی و افزایش جمعیت سالمندان می شود. در این مرحله در اثر افت باروری طی چند دهه، جمعیت وارد دوره سالمندی می شود. برخی از جمعیت شناسان اصطلاحاً از آن تحت عنوان انفجار عمودی سالخورده ها یاد می کنند. در نهایت سالخوردگی جمعیت در مرحله پیشرفته ای قرار می گیرد که از آن تحت عنوان معکوس شدن هرم سنی یاد می کنند. بر اساس مطالعه سازمان ملل در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد جمعیت کشورهای توسعه یافته، بالاتر از ۶۰ سال سن دارند و این نسبت تا سال ۲۰۵۰ به ۳۲/۴ درصد کل جمعیت کشورهای توسعه یافته خواهد رسید. بر اساس این پیش بینی تا سال ۲۰۵۰ نزدیک ۱۱ درصد از کل جمعیت ایران در سنین بالای ۶۰ سال قرار خواهند گرفت و این نسبت تا سال ۲۰۵۰ به نزدیک ۲۶ درصد خواهد رسید. یعنی بیش از یک چهارم کل جمعیت ایران سالخورده خواهند بود. این تحول بزرگ مستلزم توسعه قابل ملاحظه اقدامات حمایتی و تأمینی است.

جدول ۳: تحولات تعداد و درصد رشد سالانه کل جمعیت و جمعیت سالمند (۶۰ ساله به بالا) کشور طی سال های ۱۳۵۵-۱۳۸۵

سال	جمعیت (هزار نفر)	جمعیت سالمند (هزار نفر)	متوسط رشد سالانه	
			جمعیت کشور	جمعیت سالمند
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۱۷۷۰	-	-

۴/۲	۳/۹۱	۵/۴	۲۶۸۸	۴۹۴۴۵	۱۳۶۵
۰/۴	۱/۹۶	۶/۶	۳۹۷۸	۶۰۰۵۵	۱۳۷۵
۲/۵	۱/۶۱	۷/۳	۵۱۲۱	۷۰۴۹۵	۱۳۸۵

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۵۵

جدول ۴: تحولات جمعیت ۶۰ سال به بالا تا افق سال ۱۴۰۵

سال	۱۳۸۵	۱۴۰۵	کل مرد و زن (هزار نفر)	کل افزایش در فاصله ۱۳۸۵-۱۴۰۵
کل کشور	۵۱۲۱	۱۰۰۴۸	۴۹۲۷	۹۶/۲
شهری	۳۲۷۹	۷۶۳۱	۴۳۵۲	۱۱۰/۳
روستایی	۱۸۴۲	۲۴۱۷	۵۷۵	۸۳/۱۸

منبع: زنجانی، حبیب الله و دیگران، ۱۳۸۹

جدول شماره ۴ نتایج یکی از تازه ترین مطالعات در زمینه تحولات سالمندی در ایران را نشان می دهد. همان طوری که ملاحظه می شود، جمعیت ۶۰ سال به بالا تا سال ۱۴۰۵ بیش از ۹۶ درصد افزایش خواهد داشت و در حدود ۵ میلیون نفر به جمعیت فعلی سالمند کشور اضافه خواهد شد.

#### ۴) کاهش جمعیت در سن کار و سرمایه انسانی

یکی از مسائل اساسی جمعیتی کشورهایی که در مرحله ما بعد انتقال جمعیتی قرار دارند، کاهش جمعیت در سن کار و به دنبال آن افزایش تدریجی جمعیت مهاجرین خارجی است. بعد از دوران انتقال از برهه انفجار مولید، نسل های بعدی به تدریج کوچک تر و کوچک تر خواهند شد و در نتیجه حجم جمعیت وارد شده به سن کار هم رو به کاستی می گراید و کمبود نیروی کار فراهم می شود.

جدول ۵: تحولات درصد جمعیت در سن کار (۶۴ - ۱۵ سال) در ایران تا سال ۱۴۰۵

سال	جمعیت کل	شهری	روستایی
۱۳۸۵	۶۹/۷۳	۷۱/۵۲	۶۵/۸۴
۱۳۹۰	۷۰/۹۶	۷۲/۲۹	۶۸/۰۳
۱۳۹۵	۶۹/۸۸	۷۱/۰۹	۶۷/۲۰
۱۴۰۰	۶۸/۵۴	۶۹/۶۴	۶۶/۱۸
۱۴۰۵	۶۹/۴۷	۷۰/۲۸	۶۷/۸۵
تغییرات به درصد	-۰/۳۷	-۱/۷۳	+۳/۰۵

منبع: زنجانی و دیگران، ۱۳۸۹

جدول شماره ۵ نشان می دهد که جمعیت در سن کار تا سال ۱۴۰۵ به ویژه در مناطق شهری کشور روند کاهشی خواهد داشت. جمعیت در سن کار کل کشور ۰/۳۷-، و مناطق شهری ۱/۷۳- درصد کاهش نسبت جمعیتی را تا سال ۱۴۰۵، نشان می دهند. به طور مشخص می توان از جدول فوق چنین استنباط کرد که جمعیت در سن کار از سال ۱۳۹۰ به بعد روند کاهشی خود را آغاز خواهد نمود.

### نتایج پیش بینی جمعیت کشور توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۰

جدول شماره ۱۲ نتایج پیش بینی های سازمان ملل را بر اساس تحولات اخیر جمعیتی کشور تا ۱۰۰ سال آینده، در چهار سناریوی متفاوت (رشد کم، رشد متوسط، رشد بالا و رشد ثابت) نشان می دهد.

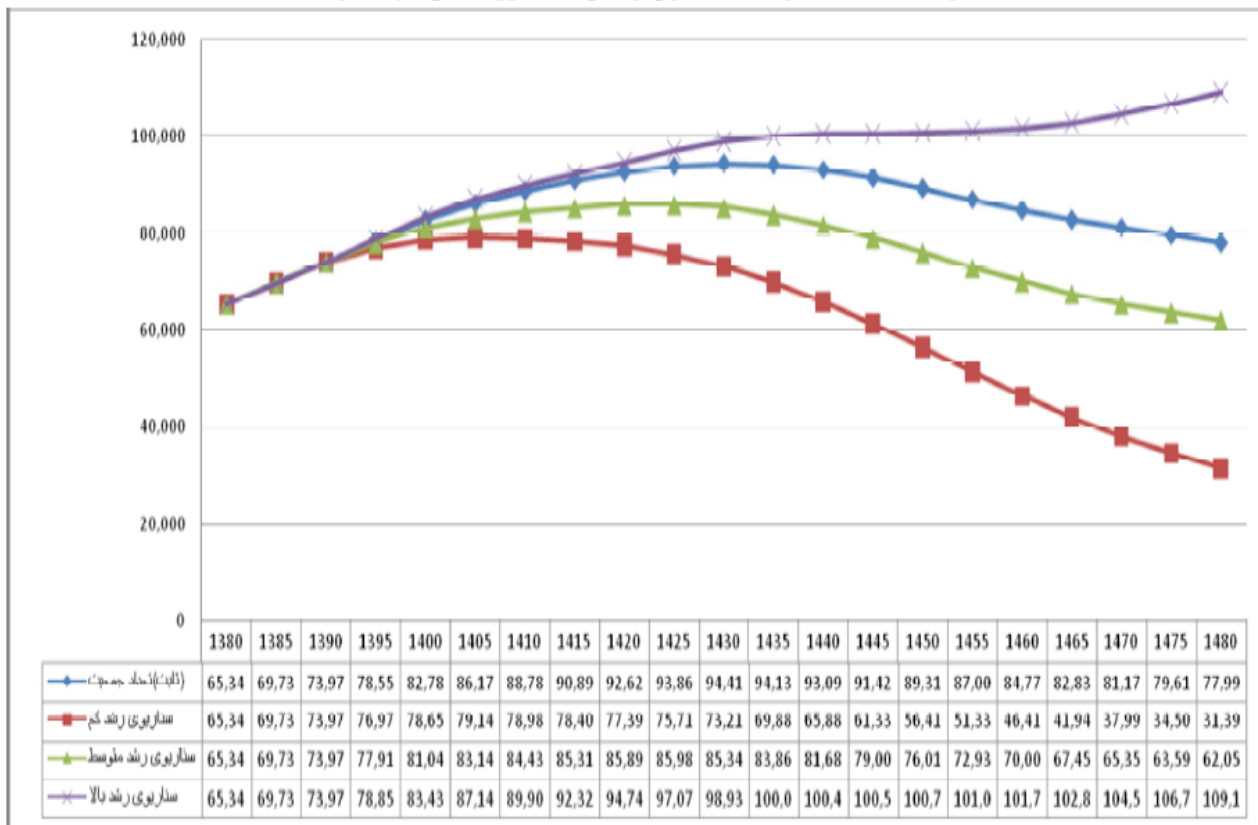
پیش بینی ها نشان می دهد که در صورت تحقق سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۸/۵ درصد، در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۵ درصد و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۴ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط، جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۶/۹ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۵ درصد کاهش خواهد یافت.

جدول (۱۲). پیش بینی تعداد جمعیت ایران (میلیون نفر) براساس ۴ سناریوی سازمان ملل در سال ۲۰۱۰

سناریوی رشد بالا	سناریوی رشد متوسط	سناریوی رشد کم	سناریوی رشد ثابت	سال
65,342	65,342	65,342	65,342	۱۳۸۰
69,732	69,732	69,732	69,732	۱۳۸۵
73,974	73,974	73,974	73,974	۱۳۹۰
78,855	77,914	76,973	78,556	۱۳۹۵
83,433	81,045	78,657	82,782	۱۴۰۰
87,142	83,142	79,141	86,174	۱۴۰۵
89,908	84,439	78,985	88,786	۱۴۱۰
92,321	85,313	78,407	90,895	۱۴۱۵
94,747	85,893	77,392	92,627	۱۴۲۰
97,079	85,987	75,716	93,869	۱۴۲۵
98,932	85,344	73,214	94,414	۱۴۳۰
100,027	83,866	69,887	94,139	۱۴۳۵
100,473	81,684	65,880	93,098	۱۴۴۰
100,599	79,000	61,336	91,426	۱۴۴۵
100,728	76,016	56,414	89,314	۱۴۵۰
101,055	72,933	51,336	87,002	۱۴۵۵
101,723	70,002	46,417	84,772	۱۴۶۰
102,871	67,455	41,942	82,830	۱۴۶۵
104,553	65,353	37,998	81,170	۱۴۷۰
106,703	63,594	34,507	79,614	۱۴۷۵
109,195	62,059	31,397	77,996	۱۴۸۰

Source: World Population Prospects (The 2010 Revision), <http://esa.un.org/unpd/wpp/index.htm>

نمودار (۲). مقایسه تغییرات جمعیت ایران بر اساس ۴ سناریوی سازمان ملل تا سال ۲۱۰۰





## ب) چالش های اجتماعی - فرهنگی

### ۱) بحران ساختاری خانواده

زمانی که جوامع وارد دومین انتقال جمعیتی می شوند، نظام ارزشی و نگرشی آنها به ویژه در زمینه ازدواج، تشکیل خانواده و ارزش فرزندان، تغییرات اساسی می یابد. در این مرحله شکل سنتی تشکیل خانواده، تعریف سنتی نقش زنان و مردان در خانه و تعهدات و قیود خانوادگی نیز تغییر خواهد کرد و این به علت حضور بیشتر زنان در آموزش و اشتغال و شیوع ارزش های اجتماعی طبقه متوسط غرب در جوامع در حال توسعه است.

افزایش سن ازدواج، تمایل کمتر به تشکیل خانواده، افزایش ناسازگاری های زوجین، افزایش طلاق، کاهش نرخ شیوع ازدواج، افزایش نرخ مجرد قطعی، تمایل کمتر برای داشتن فرزند و برعکس تمایل بیشتر به خودشکوفایی فردگرایانه و حتی گرایشات مردستیزی در بین زنان، موجب پدیدایی بحران ساختاری خانواده در جوامع غربی شده و پتانسیل فرزندزایی را در اینگونه جوامع کم می نماید. در نتیجه حتی سیاست های تشویق مولید دولت ها در زمینه راغب تر نمودن نسل جدید به داشتن فرزند، اثربخشی بسیار کمی خواهد داشت. تحولات خزننده و تدریجی شاخص های مجرد، ازدواج و طلاق گویای این واقعیت است که زمینه های ساختاری فرزند زایی در ایران رو به تضعیف است (جدول شماره ۶).

جدول ۶: روند تغییرات شاخص های ازدواج و طلاق در ایران در سال های ۱۳۸۵-۱۳۶۵

سال	میانگین سن ازدواج		عمومیت ازدواج		نسبت مجرد قطعی		نسبت طلاق به ازدواج (درصد)
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱۳۶۵	۲۳/۸	۲۰/۱	۹۸/۳	۹۸/۶	۱/۷	۱/۴	
۱۳۷۵	۲۵/۲	۲۲	۹۸/۹	۹۸/۸	۱/۱	۱/۲	
۱۳۸۵	۲۶/۶	۲۳/۲	۹۸/۴	۹۷/۹	۱/۶	۲/۱	

### ۲) اختلال در حمایت های بین نسلی

یکی از چالش های اجتماعی - فرهنگی پیش رو برای کشورهایی که با موضوع سالمندی مواجه می شوند، موضوع مربوط به کاهش حمایت های بین نسلی است. بایستی به این نکته توجه کرد که جمعیت ها در مراحل پایانی گذار جمعیتی با افزایش تعداد جمعیت سالمند مواجه خواهند شد. در صورتی که افت اساسی و مستمر در باروری رخ دهد، جمعیت های سالمند بدون پشتوانه حمایت نسلی خواهند ماند. اما اگر سطح باروری مطلوب باشد، نه تنها حمایت های بین نسلی خانوادگی تقویت خواهد شد، بلکه فشار اقتصادی کمتری بر بخش های تأمین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی وارد خواهد آمد.

### ۳) شکاف های نسلی در اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل ها

چالش دیگر، تأثیر سالمندی جامعه بر اتحاد و پیوستگی بین نسل های مختلف جامعه خواهد بود. در جامعه ای که حدود یک سوم جمعیت آن را سالمندان بالای ۶۵ سال تشکیل می دهند، احتمالاً تعامل بین نسل جوان و گروه سالمندان ممکن است با دشواری رو به رو شود و شکاف نسلی بیشتر گردد. در گذار دوم جمعیتی به هم خوردن توازن جمعیتی نسل ها از یک سو و از سوی دیگر تغییرات هنجارهای فرهنگی و ترویج عقلانیت اقتصادی، مسئله شکاف نسلی را تشدید خواهد کرد. سوق یافتن جمعیت به سوی کاهش باروری و مرگ و میر، اگر رابطه سنتی میان نسل ها را نابود نسازد، دست کم ضربه های سختی به آن وارد خواهد کرد؛ یکی از این روابط سنتی، هم زیستی دیرینه و حمایت دوجانبه ای است که در طول قرن ها میان جوانان و افراد سالمند وجود داشته است.

#### ۴) کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی

پاتنام (۱۹۹۳) تمام ویژگی های اجتماعی نهادها و سازمان ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی را سرمایه اجتماعی نامیده است. سرمایه اجتماعی محصول جانبی دیگر فعالیت های اجتماعی می باشد. کولمن سرمایه اجتماعی را قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر می داند. در گذار دوم جمعیتی فاصله گرفتن تدریجی افراد از شبکه های اجتماع محور، ماهیت سرمایه اجتماعی را تغییر خواهد داد. ترویج روابط عاطفی فردگرایانه، انسجام اجتماعی و سرمایه شبکه های اجتماعی را به شدت کاهش می دهد.

#### ۵) جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان

برای بسیاری از سالمندان در کشورهای توسعه یافته، خانواده، دومین یا سومین منبع مهم حمایت محسوب می شود که این وضعیت یک الگوی جدید است. قبل از قرن بیستم دوره وابستگی کهنسالی خیلی کوتاه تر بود، میزان هزینه دولت برای سالمندان خیلی کم بود و همخانه بودن سالمندان با فرزندان یک هنجار محسوب می شد. به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا، بخشی از جمعیت بیمه سالمندی که با فرزندان نشان زندگی می کردند از ۶۷ درصد در سال ۱۹۲۰ به ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۰ افت کرد. تنها ۲/۷ درصد از جمعیت واقع در سنین ۶۰ سال به بالای آمریکا در سال ۲۰۰۱، حمایت فرزندان خود را به عنوان منبع مهم درآمد ذکر کرده اند. حتی در ژاپن، جایی که حمایت بین نسلی به طور سنتی نقش مهم تری را بازی می کند، قسمتی از جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر که فرزندان نشان را به عنوان منبع اصلی حمایت ذکر کرده بودند از ۲۹/۸ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۰۱ افت کرده است. هم خانه بودن سالمندان با فرزندان نشان نیز به طور قابل توجهی در ژاپن کاهش یافته است. در آینده حتی هم خانگی ها و حمایت اقتصادی بین نسلی در ژاپن به علت افزایش بیکاری، بی ثباتی کار، تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق در بین جوانان با مشکلاتی رو به رو خواهد بود.

سالمندی جمعیت، چالش هایی را برای دولت ها پیرامون مراقبت های بهداشتی مورد نیاز، پرداخت حق بیمه درمانی و مستمری بازنشستگی جمعیت رو به تزاید سالمندان، فراهم خواهد کرد. به علت طولانی شدن امید زندگی، سالمندان مدت طولانی تری از خدمات بیمه و بازنشستگی خود استفاده می کنند. در حالی که در فعالیت

های درآمدزا مشارکت کمتری دارند. همچنین در بسیاری از کشورها مانند ژاپن که با سالمندی جمعیت مواجه شده اند، ازدیاد مستمر جمعیتی که حق بازنشستگی پرداخت نمی کنند موجبات نگرانی هایی را برای دولت فراهم آورده است.

### ۶) آسیب های اخلاقی و تربیتی

خانواده های کم جمعیت ممکن است ثروتمند شوند؛ اما ثروتمند شدن آنان از فقیر ماندنشان خطرناک تر است. (warwick، ۱۹۸۲). ترکیب «تک فرزندی و رفاه» بر رفتار والدین و کودکان تأثیر فراوانی دارد. کودکان در خانواده های تک فرزندی در سلسله فراوانی از خواسته های بی پایان خود رشد می کنند که همه یا اکثر آن ها اجابت می شود. مفاهیم اخلاقی ای نظیر کف نفس و قناعت، ایثار و گذشت برای دیگری، تلاش در جهت استقلال شخصیت به گونه ای مسؤولانه برای این کودکان تجربه نمی شود. از سوی دیگر به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را «مزاحم» تلقی می کنند. بدیهی است که فرزندان در رشد و ارتقای شخصیت والدینشان تأثیر دارند. در خانواده های تک فرزند، والدین نیز از تأثیرات مثبت فرزندان، کم بهره می مانند.

### ج) چالش های سیاسی - امنیتی

برژینسکی، سیاستمدار کهنه کار و مشاور امنیت ملی سابق امریکا: «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تأسیسات هسته ای ایران اجتناب کنید و گفت و گو ها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست.» (مصاحبه جرال د سیب، دبیر روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال با برژینسکی، مارچ ۲۰۰۹)

یکی از چالش های اساسی جوامع در دوره مابعد انتقال جمعیتی، کاهش توان نظامی و قدرت بازدارندگی جوامع است. در کشورهای صنعتی، از جمله استرالیا و کانادا، مشکلات راهبردی ناشی از کاهش نرخ باروری به اتخاذ سیاست هایی در جهت افزایش جمعیت منجر شد. در جنگ جهانی اول نخست وزیر استرالیا، ویلیام (بیلی) هاگز، مردم کشورش را در زمینه انقطاع نسل هشدار داد و آنها را به زاد و ولد بیشتر تشویق نمود. در جنگ جهانی دوم، نخست وزیر استرالیا (کورتین) هشدار داد که کشور استرالیا برای حفظ امنیت خود، همانند آسیای پر جمعیت، به یک جمعیت ۳۰ میلیونی نیاز دارد. اساس هدف کورتین برای دستیابی به جمعیت ۳۰ میلیونی در گذر زمان محو شد. اما از آنجا که جمعیت استرالیا در آن زمان ۷ میلیون نفر بود، کاملاً روشن بود که افزایش باروری نمی توانست برای افزایش جمعیت استرالیا کافی باشد. از این رو اکثر نخبگان سیاسی استرالیا در اعلام توافق با سیاست های «استرالیای سفید» که به اوایل دهه ۱۹۹۰ برمی گشت، از سیاست های مهاجرت از کشورهای دیگر به ویژه

انگلستان و بعضاً از سایر کشورهای اروپایی استقبال و از آن حمایت مالی کردند (Poston & Micklin 2005:724)

در سال ۱۹۳۰ سیاستمداران فرانسوی به این نتیجه رسیدند که به دلیل کاهش جمعیتشان، نیازمند احیای تسلیحات مدرن نظامی و در نتیجه کنار گذاشتن استفاده از تسلیحات خط ماگینوت (Maginot Line) هستند. پائول رینولد، وزیر دولت وقت فرانسه، با تأکید بر این نکته که "تنها یک عامل وجود دارد که بر همه عوامل مسلط است و آن عامل جمعیت است"، به بحث درباره به کارگیری تسلیحات مدرن پرداخت. اینچنین موضوعاتی قبلاً هم از سوی رهبران وقت فرانسه مطرح شده بود، اکنون نیز در قوانین اروپا و فرانسه ذکر شده است (Poston & Micklin 2005:724). مشکلاتی از این دست تنها منحصر به فرانسه نبود. طی دهه ۱۹۳۰، آلمان به رهبری نازیسم و اتحاد جماهیر شوروی به رهبری استالین به دلایل کاملاً نظامی و راهبردی، سیاست هایی وی در جهت افزایش نرخ باروری اتخاذ کردند.

به طور کلی خطرات سیاسی و امنیتی ناشی از باروری زیر سطح جانشینی در ایران عبارتند از:

#### ۱. تضعیف نیروی دفاعی کشور

نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص های اقتدار نظامی و دفاعی است. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت.

#### ۲. کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور

از اصلی ترین پایه های پیشرفت و توسعه کشور، نیروی انسانی است. کشوری که با پیری جمعیت روبه رو شود، خود به خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می گردد.

#### ۳. برهم خوردن تعادل جمعیتی

امروزه شاهد تفاوت نرخ رشد جمعیت در استان های مرکزی و حاشیه ای هستیم، به گونه ای که نرخ رشد استان های مرزی تقریباً حدود ۵ برابر نرخ رشد جمعیت مرکزی است. همین تراکم کم یا زیاد، خود بر روی نحوه بهره برداری از زمین تأثیر می گذارد و بنابراین، کاربری اراضی تحت تأثیر تراکم جمعیت متحول می گردد؛ به گونه ای که شهرها در بهترین زمین های کشاورزی گسترش می یابد. این امر، ضمن داشتن آثار و پیامدهای منفی ناشی از تراکم جمعیت برای زندگی افراد جامعه، از ناحیه کاهش زمین های کشاورزی موجود، تخلیه منابع طبیعی جامعه و در نتیجه، تضعیف امنیت غذایی کشور و به تبع آن، افزایش وابستگی به مواد غذایی وارداتی، امنیت عمومی جامعه را تهدید می کند.

#### ۴. تضعیف جایگاه ایران به عنوان یک کشور شیعی

تنها کشوری که در آن دولتی با حاکمیت شیعه سر کار است، کشور ایران است. این سرمایه ارزشمند شیعه که منادی اسلام ناب محمدی در جهان است، می باید هم از نظر کمی و هم کیفی شاخص های لازم را داشته باشد و یکی از این شاخصه ها، جمعیت قابل قبول است که بتواند در برابر جهان کفر قد علم کند.

#### ۵. عدم نشاط اقتصادی - اجتماعی به موجب پیری جمعیت

در کمتر از سه دهه، جمهوری اسلامی ایران به کشوری شدیداً سالخورده تبدیل خواهد شد و این یعنی کاهش نشاط و نوآوری در جامعه و افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی برای رفع دغدغه خیل عظیم سالخوردگان، و این همان چیزی است که غربی ها می خواهند؛ افزایش مشکلات کشور و فروپاشی از درون.

#### (د) چالش های اقتصادی

یکی از عوامل اصلی رکود اقتصادی کنونی در غرب که نمودها و علائم آن در بسیاری از کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی از اواخر دهه ۱۹۹۰ مشخص بود، تجربه تغییرات جمعیتی در این کشورها طی ۵۰ سال گذشته قلمداد شده است. از نگاه جمعیت شناسی، یک جمعیت در حال رشد و جوان احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد. علاوه بر آن افزایش تقاضا برای امکانات، مسکن، املاک و مستغلات در این جوامع بیشتر می شود. با افزایش نیازهای متعدد جمعیت در حال رشد، باید مردم بیشتری هم به کار گرفته شوند تا کالاها، خدمات و نیازهای جمعیتی را تدارک ببینند. از طرف دیگر باید کارگران بیشتری وارد چرخه کار، در بخش های صنعتی، خدمات و کشاورزی شوند. همچنین به کارخانه ها و کارخانه های بیشتری نیاز است تا نیروی کار که وارد بازار کار می شود به کار گرفته شوند. سال ۲۰۰۰ میلادی با سال های پایان نسل انفجار مولید (۱۹۶۶-۱۹۴۷) در اروپا مقارن بود. در واقع سطح باروری نسل انفجار مولید (Baby Boom) بسیار کمتر از والدین شان بود و لذا بازار با سیر نزولی و کاهنده تقاضا مواجه شد. جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش یافت و این تغییر جمعیتی از دیدگاه برخی جمعیت شناسان و اقتصاددانان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد بحران اقتصادی قرن اخیر در اقتصاد آمریکا و اروپا قلمداد شده است.

تغییر ساختار سنی جمعیت می تواند آثار مهم و تعیین کننده ای بر رشد اقتصادی داشته باشد. این تغییر از راه های گوناگون بر رشد اقتصادی اثر می گذارد. افزایش سالمندی سبب افزایش هزینه های سلامت و تأمین اجتماعی می شود. این هزینه ها را که سازمان های بازنشستگی به افراد مسن پرداخت می کند، در واقع انتقال از جوان ترها به نسل های مسن است که خود به مرور زمان می تواند سنگین و مشکل ساز شود. تأمین این هزینه ها سبب کاهش سرمایه گذاری عمومی و سرانجام سبب کاهش رشد اقتصادی می شود. از طرف دیگر، با بروز تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت، در نتیجه گذشت زمان و ورود قشرهای بزرگسال جمعیتی به دوره سالمندی، میزان تولید کشور نیز دستخوش تغییر می شود؛ زیرا در این مرحله، مشارکت در تولید

ناخالص داخلی این گروه سنی از جمعیت، پایین تر از دیگر گروه های سنی خواهد بود و می توان انتظار داشت که رشد قشر سالمند، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد تولید نداشته باشد.

به طور خلاصه پیامدهای اقتصادی کاهش جمعیت عبارت است از: ۱. کاهش رشد اقتصادی ۲. پائین آمدن نرخ پس انداز خانواده ها ۳. افزایش بار مالی نسل های جوان تر ۴. افزایش بار تکفل و ۵. افزایش تقاضای بازنشسته های فعلی و فشار بر سیستم تأمین اجتماعی.

## فصل دوم: دلایل کاهش جمعیت کشور در دو دهه اخیر

«ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم.»

(بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در خصوص جمعیت مورخه ۱۳۹۱/۰۵/۰۳)

### مقدمه:

یکی از بایسته‌های مهم تدوین سیاست جمعیتی، شناسایی دقیق علل و عوامل شکل‌گیری بحران یا مسئله جمعیتی است. از این رو، پیش از تدوین، تصویب و اجرای سیاست جدید جمعیتی، باید دلایل کاهش شدید جمعیت کشور را در دو دهه اخیر به طور دقیق شناسایی کرد. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که شناخت میزان اثرگذاری هریک از عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این روند، می‌تواند سمت و سوی فعالیت‌های نظام اسلامی را برای اصلاح و تغییر روند موجود تعیین و اولویت‌های فعالیت آن، مشخص کند.

### (۱) اعتقاد مسئولین نظام به سیاست جمعیتی مالتوسی و اعمال سیاست تحدید مولید

در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در زمینه خطوط کلی سیاست تحدید مولید کشور در بخش جمعیت، چنین آمده است: «بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل مولید از ۶/۴ مولد زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ مهمترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید مولید کشور خواهد بود و متناسب با این هدف‌ها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲/۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است» (قانون برنامه اول توسعه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۶۸).

چنان که گذشت در قانون برنامه اول توسعه پیش‌بینی شده بود در سال ۱۳۹۰ میزان باروری عمومی زنان از ۶/۴ نوزاد به ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ درصد به ۲/۳ درصد برسد، ولی در عمل رویدادی بسیار فراتر از این پیش‌بینی رخ داد و در سال ۱۳۹۰ میزان باروری عمومی (کل) زنان به ۱/۶ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۱/۲۹ درصد رسید. حال این پرسش مطرح می‌شود که: چه علل و عواملی موجب شد نظام جمهوری اسلامی در زمینه سیاست جمعیتی، به نتایجی بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های خود دست یابد؟ آیا این نتایج، ناشی از اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مستقیمی همچون «گسترش فعالیت‌های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور» (بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۶۸/۱۱/۱۱) بود، یا از اعمال سیاست‌های غیرمستقیمی مانند «بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی لازم‌التعلیم، و اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه و خانواده» (همان)، یا فعالیت سازمان صدا و سیما در جهت «ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت» (قانون تنظیم خانواده و جمعیت، ۷۲/۲/۲۶). بی‌گمان، نمی‌توان نقش هر یک از عوامل یادشده، به ویژه اجرای سیاست‌های غیرمستقیم جمعیتی را در کاهش نسبی رشد جمعیت انکار کرد، ولی به نظر می‌رسد این عوامل به تنهایی نمی‌توانند موجب کاهش شدید و بسیار فراتر از پیش‌بینی روند رشد جمعیت کشور شوند و باید این پدیده را ناشی از علل و عواملی فراتر از علل و عوامل یادشده دانست.

### اعمال سیاست تحدید موالید

در ایران، سیاست‌های جمعیتی بعد از سال ۱۳۶۹ با تشکیل شورای تحدید موالید، به سمت کاهش باروری بوده است. اعضای این شورا شامل وزرای بهداشت، آموزش و پرورش، آموزش عالی، کار و امور اجتماعی، کشاورزی و ارشاد اسلامی بود که توسط وزارت بهداشت سرپرستی می‌شد. از جمله اهداف این شورا می‌توان به کاهش تولد، کاهش میزان جمعیت، افزایش میزان مصرف عوامل ضد بارداری در میان زنان متأهل و کاهش بارداری عمومی اشاره کرد. برای رسیدن به این اهداف، چهار فعالیت اصلی برنامه ریزی شده بود:

الف) برنامه آموزش سازمان دهی شده توسط مدارس، دانشگاه‌ها، وسایل ارتباط جمعی در ارتباط با مسئله جمعیت و تنظیم خانواده؛

ب) افزایش دسترسی به روش‌های پیش‌گیری برای متاهلان؛

ج) ارائه طیف وسیعی از روش‌های تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی؛

د) هدایت تحقیقات بر جوانب مختلف تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی.

در راستای تحقق اهداف این شورا بود که برنامه تنظیم خانواده با سه هدف کلی ذیل دنبال شد:



الف) تشویق به فاصله گذاری بین تولدها؛

ب) برحذر داشتن زنان از بارداری در سنین زیر ۱۸ سال و بیشتر از ۳۵ سال؛

ج) محدود کردن تعداد زنان به ۲ تا ۳ فرزند.

در برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) توسعه نیز برنامه کنترل جمعیت به عنوان سیاست نظام پیگیری شد (سمیعی نسب و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱). آنچه بیان شد بیانگر این است که طی سالهای ۱۳۶۹ تاکنون نگاه به جمعیت در ایران، برگرفته از نظریه مالتوسی، منفی است؛ چرا که با جدیت تمام، سیاست کنترل جمعیت اجرایی شده است.

{**نظریه مالتوس در مورد جمعیت**؛ مالتوس از جمله افراد مخالف افزایش جمعیت است. مکتب مخالفان افزایش جمعیت را مالتوسیانیسم می نامند. به اعتقاد مالتوس، بین گرایش طبیعی نوع بشر (قانون جمعیت) و گرایش طبیعی تولیدات کشاورزی (قانون معیشت)، شکافی وجود دارد بر اساس این قانون، جمعیت هر ۲۵ سال با تصاعد هندسی (مانند ... ۲، ۴، ۸، ۱۶) به ثباتی رشد می کند، در صورتی که بنا بر قانون معیشت تولیدات کشاورزی بر اساس تصاعد حسابی (مانند ... ۱، ۲، ۳، ۴) افزایش می یابد. مالتوس نتیجه می گیرد: نسبت جمعیت به مواد غذایی پس از دو قرن به ۲۵۶ در برابر ۹ بالغ می رسد برای اجتناب از فقر باید به تحدید آزادی زاد و ولد از طریق دیر هنگام و پرهیزگاری جنسی قبل از دواج اقدام کرد. مالتوس بیان می کند: از طریق کنترل جمعیت، جامع ای مرفه به وجود خواهد آمد و فقر و تنگدستی ریشه کن خواهد شد (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۹). وی در کتاب مقاله ای درباره جمعیت (ویرایش اول)، سه اثر منفی برای افزایش جمعیت را مطرح ساخت: ۱) گسترش فقر از نظر کمی و کیفی ۲) محدودیت منابع طبیعی و تخریب محیط زیست و ۳) عدم بهبود در کیفیت محیط زندگی (دلالی اطفهانی و اسمعیل زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). }

## **۲) رویکرد منفی پژوهش های جمعیتی انجام شده در ایران نسبت به افزایش جمعیت که همراه با**

### **اشکالات روش شناختی و معرفتی بودند**

همزمان با تحولات جمعیتی سریع در کشور، پژوهش های مربوط به حوزه جمعیت رویکردهای متفاوتی داشته است. شکری و نوری (۱۳۹۱)، به منظور مشخص شدن خلاها و اشکالات روش شناختی تحقیقات در زمینه جمعیت، با روش فراتحلیل به بررسی مطالعات مربوطه بین سال های ۱۳۷۰-۱۳۹۰ در حیطه علوم انسانی پرداخته اند. برای این منظور، ۶۳ مقاله بررسی شده است. نتایج فراتحلیل، نشان می دهد که رویکرد ۶۱/۹۰ درصد کل مقالات مورد بررسی به افزایش جمعیت منفی است. همچنین، مطالعات از نظر روش تحقیق دارای اشکالات و نواقص متعددی می باشند. از جمله؛ انجام ۴۷/۹۰ درصد تحقیقات به روش اسنادی - کتابخانه ای، ۴۷/۹۰ درصد مطالعات مورد بررسی فاقد تکنیک نمونه گیری، ۵۰/۶۳ درصد از مطالعات دارای میدان مطالعه نامشخص، ۹۷/۵۳ درصد مطالعات فاقد فرضیه یا سوال و ۱۵/۵۷ درصد مقالات فاقد تکنیک تجزیه و تحلیل

بودند. یافته های این پژوهش بیانگر این مطلب است که مسئله اساسی در پژوهش های حوزه جمعیت، ضعف علمی از بعد روش شناختی است. همچنین انجام بیش از ۹۰ درصد تحقیقات به شیوه اسنادی - کتابخانه ای بیانگر ضعف عمده ای در تحقیقات انجام شده است. شاید بتوان گفت: سیاست کنترل جمعیت از برنامه اول توسعه تاکنون بر مبنای تحقیقات قابل استناد و اتکا نبوده است.

### ۳) سوء مدیریت نیروهای جوان کشور

چنانچه سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ را به عنوان سال های اوج باروری در جامعه پس از انقلاب به شمار آوریم، از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴ بیشترین میزان نفرت، وارد دوره جوانی شده اند. مدیریت منابع انسانی و نحوه بهره مندی از نیروی جوانی جمعیت در این دوره به نحوی بود که برخی مسئولان، مهم ترین کارکرد افزایش سالهای تحصیل به ویژه تحصیلات عالی را به تأخیر انداختن تقاضای کار می پنداشتند که البته این رویه کمابیش همچنان ادامه دارد. گسترش مدرک گرایی با شعار «تخصص گرایی»، توسعه بی ضابطه دانشگاه های آزاد، غیر انتفاعی، پیام نور، علمی - کاربردی و ...، افزایش ظرفیت و تقاضای تحصیلات عالی در میان جوانان (به ویژه بانوان)، تغییر الگوهای ذهنی مرتبط با سبک زندگی را به دنبال داشته است. هنگامی که مدیریت کلان جامعه ای درباره نیروهای جوان خود، چنین سوء مدیریتی را به کار گیرد، بدیهی است که مردم نیز با بدبینی، تحولات را نظاره کرده و به سیاست های کنترل جمعیت تن دهند.

### ۴) سیاست های جمعیتی جهان استکبار

سیاست های جمعیتی با اهداف سیاسی بر اساس جهانی سازی غربی تنظیم می شود، طی دهه های گذشته حجم نسبی جمعیت کشورهای سرمایه داری سیر نزولی داشته است تا جایی که جمعیت کشورهای غربی (اروپا، آمریکا و کانادا) در دو دهه قبل به ۱۲/۱ درصد از جمعیت جهانی رسیده بود و به دلیل فروپاشی خانواده و حاکمیت ارزشهای مادی و خود محوری و لذت طلبی باز هم رو به نزول است. لذا کشورهای غربی و در راس آن آمریکا برای ایجاد تعادل جمعیتی به نفع خود و بعنوان یکی از سیاستهای استراتژیک در دکترین دفاع ملی و سیاست خارجی به کاهش رشد جمعیت در جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی پرداختند و عمده فعالیت های کنترلی آمریکا بر این کشورها از طریق صندوق بین المللی پول و آژانس های سازمان ملل متحد از جمله unicef، سازمان بهداشت unesco-who سازمان کشاورزی و تغذیه بین المللی fao صورت می گیرد.

آمریکا متوجه شده است که اگر سطح تکنولوژی و علم بویژه در زمینه نظامی در کشورهای دیگر رشد یابد و با آنها مساوی شود افزایش جمعیت عامل قطعی موفقیت ملتها خواهد بود و به این مهم در چین و هند و

پاکستان رسیده است و متعقد است که از تمرکز جمعیت زیاد تحت یک حاکمیت سیاسی، می بایست جلوگیری شود و باید آنها را به تعدادی از واحدهای کوچک سیاسی تقسیم کرد لذا در سیاست خارجی در مورد عامل جمعیت اینگونه عمل می کند.

- ۱- تبدیل کشورهای پرجمعیت به کم جمعیت و تجزیه آنها
- ۲- ایجاد فشار یا تشویق بر کشورهای در حال توسعه و اسلامی بر کاهش جمعیت از طریق اعمال نفوذ غیر مستقیم بر مدیران سیاسی
- ۳- طرح توسعه دموکراسی و آزادی و حقوق بشر بویژه برای زنان و جذب آنها به بازار کار و اشتغال برای تحقق اهداف فوق
- ۴- دخالت‌های مالی و ارائه خدمات ذریبط، (به نحوی که در شرایط تحریم ابزار کنترل جمعیت به وفور و در دسترس همگان وجود دارد و حتی برای شرایط بحران مانند سیل و زلزله انبار شده است).
- ۵- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشهای جوامع در حال توسعه بویژه مسلمان از طریق:
  ۱. تاکید بر اهمیت منافع مادی و حاکمیت اقتصاد بر برنامه ریزی های اجتماعی؛
  ۲. تضعیف و تزلزل در ارزشهای اساسی و اخلاق عمومی جامعه؛
  ۳. تاکید بر اهمیت منافع فردی بر خانوایی و اجتماعی؛
  ۴. گسترش سیطره فرد گرایی و لذت طلبی؛
  ۵. حاکمیت اومانیسم و نفی دین در فرهنگ عمومی جامعه (سکولاریسم)؛
  ۶. فشار اقتصادی بر خانواده ها با توسعه فرهنگ مصرف گرایی و احساس عدم رضایت از امکانات و وضع موجود و با این تأکید که تعدد فرزندان مانع رفاه و آرامش است و بر این مسئله تمامی تبلیغات و سیاستهای جمعیتی سازمان ملل تاکید می کند.
  ۷. تاکید بر ضرورت کاهش جمعیت برای رسیدن به رشد اجتماعی و اقتصادی در برنامه های توسعه دولت در حالی که واقعیت این است که عواملی چون سیطره کشورهای غربی بر کشورهای جهان سوم و غارت منابع آنها و وجود نظامهای دیکتاتوری وابسته به آنها و فساد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در ایجاد مشکلات اقتصادی در این کشورها موثر بوده است.
  ۸. استفاده ابزاری از بهداشت و سلامت مادر و فرزند به عنوان کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان، با هدف کنترل جمعیت بویژه در کشورهای اسلامی. سازمان بهداشت جهانی با ایجاد پایگاه های منطقه ای بهداشت از طریق پروژه های علمی پژوهشی، خدماتی و ... به این مهم می پردازد.
  ۹. تاکید بر ایجاد تغییراتی با عنوان آزادی و استقلال زن و رشد اجتماعی او و رسیدن به قدرت و امکانات و تغییر سبک زندگی مطابق مدل و سبک زندگی غربی از طریق نفوذ بر مدیریت های سیاسی کشورها و تغییر نگرش آنها و همراه کردن آنها با سیاستهای اعمالی آمریکا از طریق آژانس های سازمان ملل و NGO های فعال داخلی.
  ۱۰. استفاده ابزاری از دین بعنوان مهمترین عامل تاثیر گذار و موفق در اجرای این سیاستها و استفاده غیر صادقانه از عالمان دین در توجیه تجویز و ترویج سیاستهای کنترل جمعیت به نحوی که مردم

باور کنند که این سیاستها مغایر با ارزشهای دینی نیست و به این مهم در کشورهای مصر، اندونزی و ایران تحت نظارت آژانس های بین المللی تحت عنوان کنفرانسهایی برای جلب حمایت علمای دینی با موفقیت روبرو شده است و این را از بزرگترین عوامل تاثیر گذار در کشورهای اسلامی بویژه ایران و انقلابی مسلمان دانسته اند.

## ۵) سکولاریزاسیون خانواده

«سکولاریسم» ایدئولوژی ای است که در آن با غفلت از ماوراء الطبیعه و امور غیر مادی، گاه تا طرد و انکار امور غیبی مرتبط با خدا و بالتبع علوم و مباحث الهیاتی و وحیانی پیش می رود. در این تفکر، انسان ها با حاکمیت معیارهای این جهان، می کوشند تمام همت و قدرت خود را وقف آبادانی این دنیا و در نتیجه، کسب ثروت، قدرت و لذت حداکثری کنند. برای چنین انسانی، مهربانی، از خود گذشتگی و برخورد عادلانه و منصفانه با دیگران بی معناست؛ او هرگز نمی تواند با دیگران در تعامل عاطفی باشد و این همان ضربه سنگینی بود که از جانب نگرش سکولار بر بنیان خانواده وارد می شد. بنابراین، تاثیر نگرش سکولار در رفتار، گفتار و کردار انسان ها در خانواده، حتی در کاهش کمی و کیفی نرخ ازدواج (با ترویج و تبلیغ تجرد، خودارضایی و همزیستی های قبل از ازدواج و ...) و تولید مثل (جلوگیری از فرزند دار شدن یا اکتفا به حداقل فرزند و ...) هویدا شد.

از جمله تاثیرات این نگرش بر نهاد خانواده که دارای تبعات دامنه دار زیادی گردید، ترویج شهرنشینی بود که با ارتباط یافتن شهرنشینی و افزایش طلاق و دعوت به حضور در خانه های آپارتمانی باعث تاثیر منفی بر رشد جمعیت شد. سکولاریسم با ایجاد آزادی های جنسی بی مسئولیت مآبانه و نیز سردادن شعار زندگی برای لذت بیشتر و در پی آن، گسترش فحشا و آسان گیری طلاق، بنیان های خانواده را که اصلی ترین الگوی تولید مثل و افزایش رشد جمعیت انسانهاست با تهدید مواجه ساخته است. از سوی دیگر، تبدیل نقش مادری زن به نقش کارمند، کارگر و کاسب، در راستای ایجاد منبعی برای کسب درآمد بود این اشتغال مادران تبعات زیانبار دیگری را در پی داشت: اخلال در نظم روابط زناشویی، کاهش باروری، و در یک کلام، تهدید شدن انسجام خانواده. نتیجه پنهان این فرایند، از دست رفتن انگیزه و شرایط لازم برای تولید مثل و تربیت فرزند است. در فرهنگ سکولار، لازم نیست کسی مسئولیت پدر یا مادر شدن را بر خود تحمیل کند، چراکه اولاً زمان چندانی برای تربیت فرزند وجود ندارد و زوجین به فرض تشکیل خانواده به فرض تشکیل هم سفرگی در الگوی پیشنهادی سکولاریسم، در همزیستی های خارج از خانواده - باید تمام وقت در خارج از خانه مشغول کسب درآمد باشند و ثانیاً، صرف زمان و توجه به فرزند، خود مانع لذت جویی و استفاده لذت جویانه از اوقات فراغتی است که باید به تفریح گذرانده شود. از این رو، با نهادینه شدن سکولاریسم در طولانی مدت، با تهدید انقراض نسل بشر مواجه خواهیم شد.

## ۶) عوامل مؤثر در کاهش میزان باروری در پژوهش های داخلی

تحقیقات متفاوتی در ایران در زمینه باروری انجام شده است. این تحقیقات، روند تحولات باروری را پس از انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار داده اند که از جمله آنها می توان به مطالعات آقاجانیان و مهریار (۱۳۷۰) و (۱۳۷۷)، میرزایی (۱۳۷۶)، امانی (۱۳۷۸)، امیر خسروی (۱۳۷۶)، مطالعات کاربردی مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) - (۱۳۷۷)، حاتم حسینی (۱۳۸۳)، رفیع پور (۱۳۸۰)، صادقی (۱۳۸۳) و میرزایی (۱۳۸۴) اشاره کرد. نتایج به دست آمده عوامل زیر را در کاهش سریع میزان باروری و رسیدن آن به ۱/۶ بچه برای هر مادر در ایران، ذکر کرده اند:

- اخذ فتوی و نظر موافق برخی از علمای مذهبی بر جواز کنترل و کاهش جمعیت
- دخالت دولت و تصویب قوانین مشوق کاهش جمعیت و جریمه فرزند چهارم و بیشتر که توسط رهبران مذهبی مشروعیت یافته و مورد حمایت سازمان های بین المللی نیز قرار گرفت.
- افزایش میزان باسوادی زنان (۵۲٪ در سال ۱۳۶۵ و ۸۰٪ در سال ۱۳۸۵ برای زنان)
- گرایش زنان به تحصیلات و آموزش عالی (۴/۷ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۲۰٪ درصد در سال ۱۳۸۵)
- افزایش تعداد جمعیت با تحصیلات عالی نسبت به هر ۱۰۰۰۰ نفر (۱۱۸۹ نفر در سال ۱۳۶۵ و ۶۱۴۳ نفر در سال ۱۳۸۵ برای زنان)
- تغییر در کارکرد خانواده (گسترش نهادهای دولتی و نیمه دولتی و غیرانتفاعی در عرضه رفاه اجتماعی که برخی از کارکردهای سابق خانواده را عهده دار شده اند)
- توسعه شهرنشینی (۶۰٪ در سال ۱۳۶۵ و ۶۸٪ در سال ۱۳۸۵) و مشکلاتی که عمدتاً به شهرنشینی به ویژه کلان شهرها نسبت داده می شود. آمارها تفاوت ۱/۵ تا ۲ بچه را میان خانوار شهری و روستایی نشان می دهد. هزینه های سرسام آور زندگی شهری از جمله اجاره مسکن، افزایش هزینه های روحی و جسمی به دلایلی نظیر آلودگی هوا، استرس های زندگی روزمره، خستگی های ناشی از ساعات طولانی کار و تردد در ترافیک های سنگین، افزایش بیماری های قلبی و ریوی و ... انگیزه های زندگی در فرد را نیز کاهش می دهد چه رسد به پذیرش مسئولیت فرزندآوری و فرزند پروری. بسیاری از افراد از تهیه یک سرپناه کوچک ناتوان هستند و احتمالاً در یک آپارتمان ۴۰ تا ۵۰ متری داشتن فرزند کار دشواری است چه رسد به دو یا سه یا تعداد بیشتری فرزند.
- افزایش میانگین سن ازدواج (به ترتیب برای مردان و زنان ۲۴ و ۱۹/۷ در سال ۱۳۶۵ و ۲۶/۷ و ۲۳/۴ در سال ۱۳۹۰) و گسترش پدیده تجرد زیستی: دیر ازدواج کردن و مسئولیت سنگین تشکیل خانواده، باعث می شود شمار مجردان زیاد شود. در نتیجه، وقتی سن ازدواج بالا رود فرصت زمانی برای باردار شدن کم می شود و تعداد فرزندان پایین می آید.
- افزایش میزان طلاق نسبت به ازدواج به ویژه در سال های اخیر: در هر کجا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده، آمار طلاق هم افزایش یافته است. در ایران، طلاق در شهرها بیش از روستاهاست و در تهران که رواج آداب و عادات غربی بیش از شهرهای دیگر است، بیشتر است. بچه هایی که خود فرزند طلاق هستند، چون از نظر شاخص های سلامت روان نمره خوبی به دست نیاورده اند، بیشتر از بقیه بچه ها مستعد طلاق هستند و چون ترس از طلاق دارند، ممکن است دیرتر ازدواج کنند یا اصلاً ازدواج نکنند. این مسئله باعث می شود که زندگی ها از هم پاشیده شود و فرزندی به وجود نیاید.
- افزایش خانوارهای تک والد

- ضعف کمی و کیفی آموزشهای قبل و بعد از ازدواج
- کمبود مراکز مشاوره و افراد متخصص و متعهد در این خصوص
- نامتناسب بودن آموزش های مهارت زندگی و مشاوره های خانوادگی با فرهنگ بومی و دینی
- ناهماهنگی، پراکندگی و تعدد مراجع تصمیم ساز سیاست گذار در حوزه خانواده و فقدان وجود سازمانی نظام مند و کارآمد
- به عنوان متولی خانواده با ابزارهای نظارتی و اجرایی قوی در سطح کلان نظام
- ضعف فرایندهای نظریه پردازی و الگوسازی سبک زندگی خانواده اسلامی - ایرانی
- نارسایی ساز و کارهای رصدگری، پژوهش میدانی و آسیب شناسی و کمبود نهادهای علمی و پژوهشی مطالعات خانواده در حوزه تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده
- ضعف زیرساخت های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده
- ضعف نظام شناسایی، توانمندسازی و مداخله مؤثر برای پیشگیری و رفع آسیب از خانواده های در معرض فروپاشی
- فاصله بین بلوغ جنسی جوانان و بلوغ اجتماعی و اقتصادی آنان و به تأخیر افتادن استقلال اجتماعی و اقتصادی جوانان به دلیل مسایل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور
- تغییر الگوی مصرف و گرایش بیشتر خانواده ها به مصرف گرایی و تجمل گرایی
- ضعیف شدن میزان پایبندی برخی خانواده ها به آموزه های دینی
- عدم رعایت مراودات شرعی در جامعه
- کم رنگ شدن صله رحم و ارتباط با خویشاوندان
- کم شدن میزان حضور مادران در خانواده
- اشتغال زنان: امروزه بسیاری از زنان در سازمان ها، ادارات، مراکز دولتی و خصوصی مشغول کار هستند و برخی هم در مشاغلی اشتغال دارند که غیرضروری و غیرمرتبط و در حیطه و مسئولیت مردان است. شاغل بودن، یک ارزش برای آنان شده است، از این رو، این زنان به خاطر ترس از دست دادن کار و موقعیت اجتماعی خود، پا بر روی میل مادری خود می گذارند و تنها به یک فرزند فکر می کنند.
- ساختار نامناسب اشتغال زنان و آثار و تبعات منفی آن بر خانواده
- شروع و گسترش پدیده چند شغلی سرپرست خانوار و کاهش ساعات حضور وی در خانواده
- کم رنگ شدن نقش جامعه پذیری غیر رسمی و واگذاری آن به بنیادهای خصوصی و دولتی
- کاهش کارکرد نظارتی خانواده (بر روابط فرزندان در خارج از خانواده به ویژه از دوران نوجوانی)
- کم رنگ شدن نقش سرپرستی اقتصادی مردان در خانواده
- پایین آمدن جایگاه و منزلت خانه داری و فرزندپروری در نزد زنان
- جدایی عاطفی والدین از یکدیگر
- عدم آگاهی و مهارت کافی در تعامل و روابط بین زن و مرد
- کم رنگ شدن ملاک های حقیقی ازدواج نزد جوانان و تفوق ملاک های غلط و نادرست
- ضعف مسئولیت پذیری جوانان برای ورود به عرصه زندگی و تربیت فرزندان
- افزایش زندگی های مشترک بدون ازدواج
- پایین آمدن قبح طلاق در فضای عمومی جامعه
- موانع فرهنگی و اقتصادی در ازدواج ( شغل، مسکن، کاهش توانایی اقتصادی خانواده ها در انجام امر ازدواج جوانان و ...)

- کاهش حمایت های سنتی از تشکیل خانواده و عدم جایگزینی نظام ها و روش های مناسب به جای آن
- افزایش آداب و رسوم دست پاگیر در ازدواج (تجمل در ازدواج؛ مهریه سنگین، اسراف و ...)
- گسترش پدیده تفاوت نسلی و افزایش روحیه ستیز با والدین
- عدم آگاهی و مهارت پایین برخی والدین برای تعامل با نسل جوان و رویارویی با پدیده تفاوت نسلی
- نفوذ فرهنگ زندگی غربی (بی بند و باری جنسی، اعتیاد و ...) از طریق رسانه های رسمی و غیر رسمی و فضاهای مجازی
- تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف‌گرایانه که در پی اجرای الگوهای توسعه غربی از اواخر دهه شصت به بعد در کشور رخ داد. در فضایی که هزینه ها بسیار و توقعات از زندگی فراوان است، کار کردن زنان ارزش می شود و مادری که با خانه داری همبستگی زیادی دارد، از رونق می افتد و والدین برای تأمین هزینه زندگی از کلاس های فوق برنامه گرفته تا سفر سالیانه خارجی خود تمام سال را کار می کنند و همان یک یا دو فرزند را نیز از وجود پدر و مادر محروم می سازند.
- تبلیغات گسترده بر ضد فرزند زیاد: سیاست‌های کنترل جمعیت تمامی وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، رادیو، روزنامه و...) را به منظور کاهش رشد جمعیت به کار گرفته است.
- تبدیل شدن تک فرزندی و یا بی فرزندی به یک فرهنگ مدرن: متأسفانه تک‌فرزندی و یا بی فرزندی به یک فرهنگ مدرن تبدیل شده و مورد استقبال بسیاری از زوج های جوان قرار گرفته است. نداشتن بچه را نوعی برتری اجتماعی می‌دانند و داشتن فرزند زیاد را در خانواده هایی که سطح تحصیلات بالایی دارند، نوعی ناآگاهی قلمداد می کنند.
- مطرح کردن امور بهداشتی: یکی از اهداف اعلام شده این سیاست، تقلیل زایمان می باشد که احتمال مرگ و میر مادران و نوزادان شیرخوار را کاهش می دهد. درحالی که سلامت بدن زن، در زاییدن و حامله شدن و شیر دادن است. دخترانی که پیش از ۱۸ سالگی زایمان کنند سرطان پستان نمی گیرند. زانی که اصلاً ازدواج نکنند و بچه نیاورند، درصد خطر سرطان پستان در آنها سرسام آواراست.
- بزهکاری اجتماعی: بعضی زوجین به دلیل مشکلات تربیتی، از داشتن فرزند امتناع می ورزند. بیماری ها، اختلالات روانی، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی، از جمله عواملی هستند که والدین را از داشتن فرزند زیاد باز می دارند. اما وجود جرایم در جامعه هیچگاه به دلیل جمعیت زیاد نیست؛ زیرا در اغلب کشورهای غربی که با کاهش جمعیت نیز مواجهند، آمار جرایم و جنایات، بسیار بالا و گاه تا ۵۰ برابر کشورهای پرجمعیت جهان سوم می باشد و اگر هر فرد از جمعیت هر کشور را انسانی هوشمند با قابلیت جسمی و فکری مناسب بدانیم که خود در تولید کشورش نقش مؤثر خواهد داشت، برداشت مثبتی نسبت به جمعیت پیدا خواهیم کرد.
- رواج دیدگاه‌های فمینیستی: فمینیسم عمده ترین عامل بدبختی و تبعیض زنان و دختران را کانون خانواده و ازدواج و مادرشدن می داند. از نظر آنها، پایبندی زنان به مسائل خانوادگی و تعهد زنان نسبت به ازدواج و تربیت فرزندان، باعث نابودی حقوقشان و بدبختی آنها در طول تاریخ بوده است.

## ۷) عوامل مؤثر در کاهش میزان باروری در پژوهش های خارجی

- نتشتاین (۱۹۵۳) در تبیین باروری بر نقش توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی تاکید داشته است.
- کینگزلی دیویس (۱۹۶۳) در نظریه خود تحت عنوان «تئوری تغییرات و واکنش های جمعیتی»، مدرانیزاسیون را عامل مهمی در انتقال باروری می داند.
- اقتصاددانان نیز با در نظر گرفتن قانون عرضه و تقاضا و همچنین قرار دادن بحث هزینه ها در کانون توجه خود تغییرات و انتقال باروری را تبیین نموده اند (ایسترلین، ۱۹۸۳).

- **کالدول (۱۹۸۲)**، با ارائه نظریه «جریان ثروت بین نسلی» معتقد بود که علل کاهش باروری، جریان ثروت از نسل های سالمند تر به کودکان است. علت این امر، ظهور و جایگزینی تفکر فرهنگی خانواده هسته ای و کم اولاد به جایی خانواده گسترده می باشد.
- **دیویس و بلیک (۱۹۶۳)** عوامل موثر بر باروری را در دو دسته «عوامل مستقیم» (سن ازدواج، درصد زنان ازدواج کرده، فراوانی و نسبت طلاق و بیوگی و ازدواج) و عوامل غیر مستقیم (محیط اقتصادی، اجتماعی و بیولوژیک) تقسیم می کند.
- **جفری مک نیکل (۱۹۹۸) و گرین هال (۱۹۸۸)** عوامل نهادی را مهم ترین عوامل شکل گیری رفتار باروری می دانند.
- یکی از مطالعات انجام شده در تبیین رفتار های باروری با تکیه بر مدل های چند سطحی، مطالعه **هیرشمن و گست (۱۹۹۰)** است. هیرشمن در این مطالعه از متغیرهای اشتغال همسر، تحصیلات مادر و مهاجرت به عنوان متغیرهای سطح فردی، و متغیر های موقعیت زنان (درصد زنان ۱۵-۳۴ سالانه شاغل در بخش های غیر کشاورزی و درصد زنان ۱۵-۳۴ ساله با تحصیلات راهنمایی)، وضعیت اقتصادی-اجتماعی کودکان (درصد کودکان ۱۰-۱۴ ساله غیر شاغل، درصد کودکان محصل در سنین ۷-۱۵ ساله) میزان مرگ و میر نوزادان و درصد زنان ازدواج نکرده سنین ۱۵-۲۴ ساله، به عنوان متغیر های سطح دوم (منطقه) برای مدل سازی متغیر باروری (تعداد فرزندان به دنیا آمده) استفاده نمود است. نتایج تحقیق حاکی از این است که متغیر های زمینه ای (سطح دوم) تاثیر مهم و معناداری در تبیین باروری داشته اند.
- **انتوسیل و میسون** نقش توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه های تنظیم خانواده بر فرزندان زنده به دنیا آمده را بر اساس داده ها و اطلاعات ۱۵ کشور مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از این بود که میزان درآمد سرانه کشور ها و برنامه های تنظیم خانواده علاوه بر تاثیر بر میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، نقش تعیین کننده ای در رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و تعداد فرزندان به دنیا آمده ایفا کرده است (انتوسیل و میسون، ۱۹۸۵).
- **چارلز میرچام (۲۰۰۰)** روند کاهش باروری در تایلند، فیلیپین، مالزی و اندونزی در بین سال های ۱۹۸۶-۱۹۷۰ و ۱۹۸۰-۱۹۹۰ را با استفاده از مدل های چند سطحی مدل سازی کرده است. وی متغیرهای نسبت زنان ۱۵-۴۹ ساله، سطح توسعه یافتگی استان، درصد زنان ازدواج کرده، درصد کودکان مشغول به کار، جوانی جمعیت و مهارت های بین استانی متغیر های زمینه ای را مد نظر قرار داده است. میرچام نشان داد که مجموعه ویژگی های سطح کلان در مقایسه با ویژگی های فردی بخش قابل توجهی از تغییرات کاهش باروری را تبیین نموده است.



- علاوه بر این مطالعات، کراودال (۲۰۰۰ و ۲۰۰۲)، مورساند و کراودال (۲۰۰۳) و آکسین و باربر (۲۰۰۱) نشان داده اند که متغیر های سطح منطقه ای همچون تحصیلات، زیرساخت ها، ساختار سنی و درصد زنان در سنین باروری تاثیر بسزایی در باروری داشته است.
- کاترینا گوستی و دانیله ویجنولی (۲۰۰۶) تعیین کننده های وسایل پیش گیری از بارداری را در مصر با استفاده از مدل سازی چند سطحی مورد بررسی قرار دادند. آنها در سطح فردی ویژگی های اقتصادی و اجتماعی زنان و در سطح منطقه ای، ویژگی های اقتصادی و اجتماعی منطقه سکوت را وارد مدل تحلیلی خود کردند.
- تغییر الگوی خانوادگی، فردگرایی، آزادی جنسی، اشتغال تمام وقت به خصوص برای زنان، افزایش هزینه های نگه داری و بزرگ کردن فرزندان به دلیل سیاست های مصرف گرایانه اقتصاد بازار، اشتغال مادران و پیدایش تکنولوژی های کنترل بارداری، شهرنشینی و ... عواملی بودند که به خودی خود به کاهش جمعیت در کشورهای غربی انجامید. اتفاقاً به دلیل اینکه کاهش جمعیت تحت تاثیر ابعاد مدرنیته و در یک فرآیند زمانی قابل توجه رخ داده، در رفتارهای روزمره انسان غربی رسوخ کرده است. به عبارت دیگر کنترل جمعیت به یک عادت برای او تبدیل شده است. عاداتی که با ساختار زندگی جدید او کاملاً هماهنگ است. البته نگرش دیگری نیز وجود دارد که اصل ازدواج و به تبع آن، فرزندآوری را خلاف رفاه، آزادی و لذت فردی می داند. علم جمعیت شناسی با این رویکرد و در «رساله ای درباره اصول جمعیت» (۱۷۹۸) به قلم توماس مالتوس متولد شده است. او این بحث را از ارتباط میان جمعیت و منابع غذایی آغاز کرد و معتقد بود افزایش جمعیت با تضاد هندسی و عرضه مواد غذایی با تضاد حسابی گسترش می یابد. بنابراین، رشد جمعیت بدیهی ترین شرط رفاه یعنی تأمین معیشت را تهدید می کند. از منظر پست مدرن و بیشتر مردانه نیز «مجرد بودن اغلب به فرصت های پیشرفت شغلی کمک می کند، از نظر تجربیات جنسی، تنوع بیشتری را فراهم می سازد و به طور کلی آن ها از آزادی و استقلال بیشتری برخوردار خواهند بود». از سوی دیگر، وجود انواع جاذبه های مصنوعی و مشغولیات و تکنولوژی های سرگرم کننده به تدریج جایگزین انسان و مناسبات خانوادگی شده است که این نیز مزید بر علت گشته است (گیدنز، ۱۳۸۴).

### ۸) تاثیر عوامل محیطی بر باروری

- استفاده از غذاهای آماده و فست فودی: امروزه به دلیل مشغله های کاری، تحصیلی و فراوانی ایاب و ذهاب و کمی وقت و زمان در جوامع شهری، موجب گردیده که مردم بخصوص جوانان از غذاهای آماده و فست فودی استفاده نموده و از دسترسی به انواع مواد غذایی لازم که متشکل از ویتامین ها و املاح و مواد

معدنی لازم بوده محروم شوند و این معضل جهان امروز می تواند در سلامت جوانان امروز و بخصوص بانوان و فرزندان نسل آینده این سرزمین مؤثر و حیاتی باشد.

■ **اختلال در دستگاه تولید مثل:** نوع اختلال در دستگاه تولید مثل بستگی به عوامل متعددی از جمله نوع و میزان ماده، مدت تماس (حاد یا مزمن) و زمان تماس (قبل یا بعد از لقاح) داشته و بر اساس این فاکتورها عوامل محیطی مضر می توانند سبب کاهش باروری، ناباروری، سقط جنین، نقص مادرزادی و یا سرطان دستگاه تناسلی نمایند. عوامل محیطی مضر دستگاه تولید مثل عبارتند از: حرارت، اشعه های یونیزه و غیر یونیزه، فلزات (سرب، جیوه، کادمیوم و غیره)، استروژن های صنعتی، آفت کشها، حلال های شیمیایی، سیگار و مواد مخدر، الکل و قهوه، داروها، افزودنیهای غذایی، سلاح های شیمیایی، مواد رادیو اکتیو و تشعشعات، مواد سمی، ماده شیمیایی صنعتی دی بوتیل فتالات (DBP) که به عنوان نرم کننده پلاستیک و حلال در طیف گسترده ای از مواد شامل لاک ناخن، عطر، اسپری مو، اسباب بازی ها، دترژانتها و بسته بندی غذاها استفاده می شود، آلاینده های محیطی و مواد شیمیایی مختل کننده سیستم اندوکرین (سرب، سوخت های اکسیژنه جایگزین سرب (MTBE, Ethanol)، پلی کلرید بی فنیل (PCBs)، پلی کلرید دی بنزو دی اکساین (PCDDs)، پلی برمیدفنیل (PBB)، کار در کارخانجات تولید مواد دفع آفات نباتی، پلاستیک سازی، باتری سازی و تولید داروهای هورمونی، کار فیزیکی سنگین، کار در اتاق عمل (بیهوشی) و دندانپزشکی (بیشتر در مورد زنان) و ... .

## فصل سوم: راهبردهای افزایش جمعیت در ایران

"در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد. این مسئله افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه‌ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم.

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده نظر خیلی روشنی است ... ولی در عین حال تحقق خواسته اسلام در خانواده یک امری است که با این بیانات تمام نمی شود، حل نمی شود؛ احتیاج به پشتوانه قانونی، پشتوانه ای اجرایی و ضمانت اجرایی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سالهای متمادی گذشته انجام نگرفته است... این مسئله از جمله عرصه ها و میدانهایی است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود جنبه خانواده و مسئله شان زن در جامعه، مسئله مهمی است."

(بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در خصوص جمعیت مورخه ۱۳۹۱/۰۵/۰۳)

### نظر اسلام در مورد اتخاذ سیاست های مطلوب جمعیتی

حکومت دینی نمی تواند در برنامه ریزی برای موضوعات اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نسبت به اولویت های دینی بی تفاوت باشد اگرچه احراز نظریه قاطع دینی در باره کنترل جمعیت، به عنوان یک پدیده اظهار داشت که مسلمانان از افراط و تفریط در هر کاری از جمله جمعیت و تکثر نفوس منع شده اند خداوند در قرآن در سوره بقره آیه ۱۴۳ می فرماید:

« و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می کند از آن کس که از عقیده خود برمی گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است». نیز در سوره شعراء می فرماید: «از فرمان افراط گران پیروی نکنید». لذا ما در هیچ زمینه، بخصوص مسئله مهم جمعیت، نباید

دچار افراط و تفریط شویم. از مجموع آیات و روایات که در دین مبین اسلام آمده است می توان چنین استنباط نمود که اسلام طرفدار جمعیت مطلوب و متناسب (چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت) است:

در قرآن آیات زیادی وجود دارد که موضوعات مهم جمعیتی از جمله ازدواج و خانواده، کمیت، کیفیت، سلامت مادر و کودک، رفع نابرابری جنسی بین فرزندان طرح شده که هر کدام به نوعی با مسئله جمعیت نفیاً و اثباتاً مرتبط هستند.

### **نظر اسلام در مورد ازدواج و تشکیل خانواده**

در آیات قرآنی و روایات، تشویق فراوانی به ازدواج و خروج از مجرد شده است. بدیهی است که یک از نتایج ازدواج در اغلب موارد تولد و احیاناً تکثیر نسل است. در برخی روایات توصیه به ازدواج به هدف تکثیر نسل، صورت گرفته است. برخی از مصادیق آیات شریفه در این زمینه به شرح ذیل است، خداوند در آیه ۱۱ سوره مبارکه شورا می فرماید:

"خداوند آفریننده آسمانها و زمین است و از همنوعان شما، همسرانی برای شما خلق فرموده و نیز از چهارپایان جفت هایی آفرید تا نسل مخلوقات ادامه یابد. برای خداوند جفت و مثل و ماندنی وجود ندارد. ذات اقدسش یگانه و بی همتاست و اوست آن شنوایی بینا"

### **نظر اسلام در مورد کمیت جمعیت**

آیات و روایاتی وجود دارد که فزونی جمعیت مسلمانان را یک معیار مهم هم در دنیا و هم در آخرت قرار داده است. فرزندان در دنیا زینت، مایه استعانت، امداد، قدرت و مایه غلبه مؤمنان و در آخرت مایه مباهات پیامبر اسلام (ص) معرفی شده اند. برخی محققان از مجموع این روایات اصل اولی را استحباب تکثیر نسل دانسته اند. به طور مثال در سوره نور می خوانیم: « و شما را با اموال و فرزندان فراوان مدد فرماید و برای شما باغ های پر ثمر و نهلهای جاری آب نصیب فرماید».

### **نظر اسلام در حمایت از فرزند و فرزند دار شدن**

در روایات متعددی فرزند کشی، امتناع از فرزنددار شدن به دلیل ترس از فقر مود نکوهش قرار گرفته است. خداوند در آیه ۱۵۱ سوره مبارکه انعام می فرماید: "فرزندانتان را از بیم فقر و تنگدستی نکشید که ما شما و آنها را رزق و روزی می دهیم". نمونه دیگری از نکوهش امتناع از فرزند دار شدن و کشتن فرزندان به دلیل فقر، آیه ۳۱ سوره مبارکه اسراء است: " فرزندانتان را از بیم فقر و ناداری نکشید، رزق و روزی آنها و خود شما هم به عهده ماست. کشتن آنها به واقع گناهی است بزرگ."

### **نظر اسلام در مورد ترجیح جنسی**

قرآن فرق گذاشتن بین فرزندان دختر و پسر را به شدت نهی نموده است. بسیاری از آیات قرآن کریم در مورد نکوهش ترجیح جنسی است. مثلاً در آیه ۹ سوره مبارکه تکویر ضمن اشاره به این موضوع این پرسش مطرح شده است: "به کدام گناه کشته شده است؟ (اشاره به کشتن فرزندان دختر)

در کتاب مقدس مسلمانان، آیات و فرامین بسیار در خصوص ارزش و برابری زنان و مردان در جامعه آمده است و مسلمانان از زنده به گور کردن دختران نهی شده اند. در آیات ۵۸-۵۹ سوره نحل چنین ذکر شده است: "و هر گاه به یکی از آنها تولد فرزند دختر را خبر دهند چهره اش از شدت خشم سیاه می شود ولی از ابزار غم درونی و خشم خویش خودداری می کند. به واسطه خبر تولد فرزند دختر و احساس ننگ از خانواده خود کناره می گیرد، از دیار خود متواری می شود و در تردید است که آیا نوزاد خود را با تحمل خودداری، نگه دارد یا زنده به گور کند؟ این داوری نادرست است که بین دختر و پسر تبعیض قائل می شوند."

### نظر اسلام در مورد کیفیت جمعیت

در برخی از آیات مبارکه قرآن کریم بر کیفیت فرزندان و نحوه پرورش آنها که در نهایت تشکیل دهنده امت اسلام هستند، تأکیدات اساسی شده است. خداوند در آیه ۲۳۳ از سوره بقره می فرماید: "مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر بدهند و این برای کسی است که بخواهد شیر دادن را تمام کند. خوراک و پوشاک زنان شیرده به وجه پسندیده بر عهده مردی است که بچه برایش به دنیا آمده است. بر هیچ کس تکلیفی بیش از توانایی او نمی شود، نه هیچ مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند و نه هیچ پدری به خاطر فرزندش".

و در سوره احقاف آیه ۱۵ نیز می فرماید: "و انسان را (نسبت) به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می گوید پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم".

در این دو آیه به تغذیه با شیر مادر، فاصله گذار منطقی بین فرزندان، سلامت مادر و کودک، رشد و سلامت نوزاد، تهیه نیازهای زنان شیرده و فرزندآوری با توجه به استطاعت خانواده توجه شده است.

اگر چه در مقابل روایاتی هم وجود دارد که به صراحت بیان می کند ترس از رسیدن رزق و روزی نباید مانع از ازدواج و فرزند آوری شود. زیرا خداوند روزی همگان را ضمانت کرده است. خداوند سبحان در قرآن می فرماید: «فرزندانتان را از بیم فقر و تنگدستی نکشید که ما شما و آنها را رزق و روزی می دهیم» (انعام: ۱۵۱). جای دیگر آمده است: «فرزندانتان را از بیم فقر و ناداری نکشید، رزق و روزی آنها و خود شما بر عهده

ماست. کشتن آنها در واقع گناهی است بزرگ» (اسرا). حکم عقل و حکم شرع، حرکت به سوی تعادل و اعتدال در تعداد و کیفیت جمعیت است.

پس بر اساس آنچه که گفته شد، می توان گفت دیدگاه اسلام هم به کیفیت و هم به کمیت آن توجه نموده است. در یک جامعه اسلامی این دو باید به توافقی برسند که شایسته یک جامعه مسلمان است. بدین لحاظ ما معتقد هستیم که دین مبین اسلام با جمعیت مطلوب موافق است. این مطلوبیت جمعیت، هم در بعد کیفی است و هم در بعد کمی.

### تعادل در جمعیت

نتایج پیش بینی شاخص های جمعیتی ایران بر اساس تثبیت نرخ باروری ۲/۵ بچه به ازای هر مادر، جمعیت را تا سال ۱۴۰۵ حدود ۹۱ میلیون نفر نشان می دهند که اگر همین میزان تا سال ۱۴۲۰ ادامه یابد، جمعیت کشور به ۱۰۳ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. همچنین تعداد جمعیت در سن کار (۱۵-۶۴ سال)، حدود ۵۴ میلیون نفر به ۶۹ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. البته مدیریت اقتصادی کشوری باید به گونه ای باشد که بتواند نیازها و فرصت شغلی مورد نیاز جمعیت در سن کار را به گونه ای مطلوب تامین کند، در غیر این صورت، با وجود شمار فراوان جمعیت در سن کار، مشکلات بیکاری و فقر اقتصادی از مسائل مزمن و دایمی کشور خواهد شد.

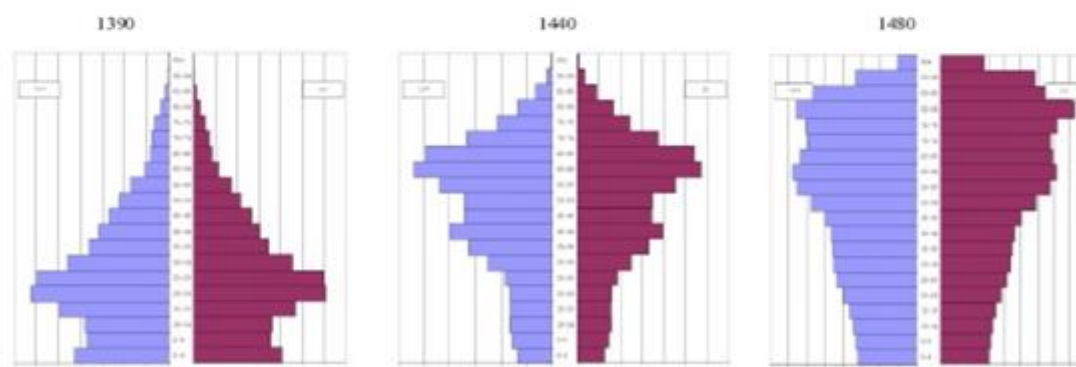
دستیابی به تعادل و توازن جمعیتی در افق بلندمدت، باید کانون توجه سیاست گذاری های جمعیتی قرار گیرد. تعادل و توازن جمعیتی از دو حیث درخور توجه است: نخست، تعادل درونی جمعیت، یعنی روابط و تأثیر و تأثرات پارامترهای جمعیتی بر دیگری. همان گونه که ملاحظه شد، در بلندمدت تداوم باروری زیر سطح جانشینی بر ساختار سنی جمعیت اثر منفی خواهد گذاشت؛ به عکس، باروری بالا در سال های پیش از ۱۳۶۵، موجب رشد بی رویه جمعیت و افزایش کودکان و نوجوانان شد؛ از این رو بار وابستگی کودکان و نوجوانان افزایش یافت و در نتیجه با افزایش هزینه های مصرفی جامعه، ساختارهای تولیدی کشور دچار مشکلاتی شد؛ بنابراین، سطح باروری و مرگ و میر، ساختار سنی جمعیت، رشد و تعداد جمعیت می بایست روند تغییرات متوازی داشته باشند. نکته دیگر، تعادل بیرونی جمعیت است؛ یعنی ارتباط متغیرهای جمعیتی با متغیرهای اقتصادی، زیست محیطی، زمین، منابع غذایی و دیگر وجوه مادی و غیرمادی جمعیت و جامعه. اساساً توجه به ظرفیت های محیط زیستی، رشد اقتصادی، توسعه پایدار، امنیت غذایی، اجتماعی و اخلاقیات و مناسبات دینی را نبایستی از نظر دور داشت؛ زیرا کمیت و کیفیت جمعیت بر همدیگر اثر متقابل و دوسویه دارند.

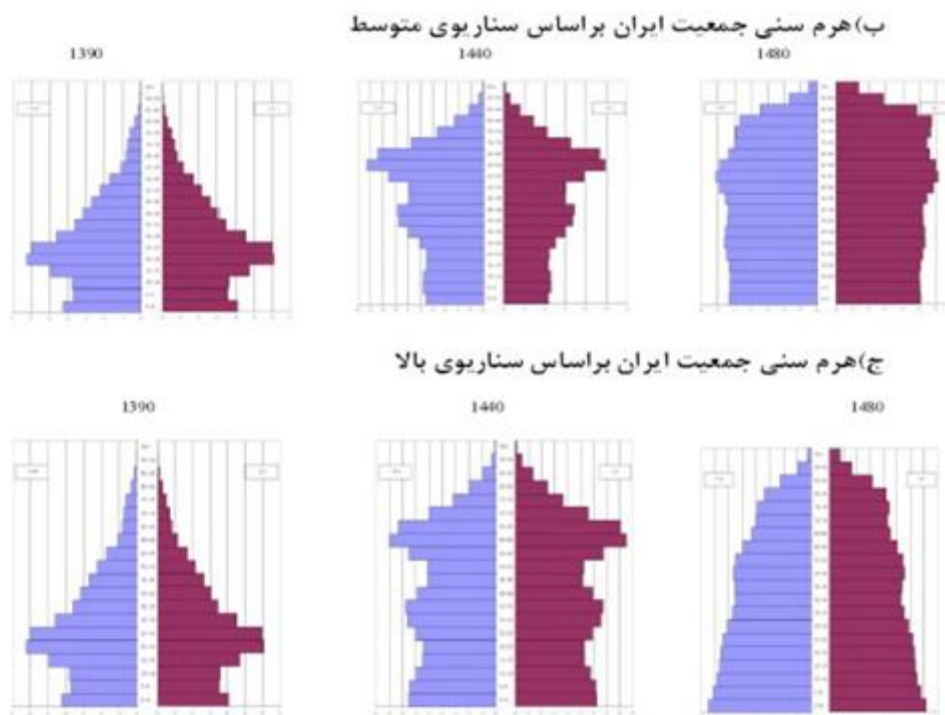
## مقایسه هرم های سنی جمعیت ایران با الگوهای متفاوت رشد

نمودار ۴ هرم های سنی جمعیت ایران را در سال های ۱۳۹۰، ۱۴۴۰ و ۱۴۸۰ نشان می دهند. نمودارهای ردیف اول نشان دهنده گزینه رشد کم جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ است. در این گزینه فرض شده است که میزان باروری کل از  $1/8$  بچه برای هر مادر در سال ۱۳۸۵ به  $0/84$  بچه در سال ۱۴۱۰ برسد و سپس به  $1/48$  در سال ۱۴۸۰ برسد. نیز در صد سالمندان از حدود  $7/5$  درصد سال ۱۳۹۰ به حدود بیش ۴۷ درصد در سال ۱۴۸۰ برسد. نمودارهای ردیف دوم نشان دهنده گزینه رشد متوسط جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ است. همچنان که ملاحظه می شود در این گزینه، چنین بیش بینی شده است که میزان به سطح جانشینی افزایش یابد. در این سناریو پیش بینی بین گروه های سنی جمعیت به این جهت مناسب به نظر می رسد که جمعیت در سال ۱۴۸۰ نوعی توازن برقرار است و از سوی دیگر میزان باروری کل در حد جانشینی است. این وضعیت جمعیتی به این جهت مناسب به نظر می رسد که نشان دهنده نوعی تعادل در نسبت به حجم کل جمعیت است. با کمی تسامح می توان گفت که یکی از گزینه های مناسب برای روند تغییرات آینده جمعیت ایران گزینه حد متوسط سازمان ملل است البته لازم به ذکر است یکی از روشهای حفظ تعادل پویای جمعیتی در ایران، حفظ سطح باروری کمی بیش از سطح جانشینی (در حدود  $2/1$  تا  $2/3$ ) می باشد (مشفق، ۱۳۸۷).

نمودار ۴. هرم های سنی جمعیت ایران در سالهای ۲۰۵۰، ۲۰۲۵، ۲۰۰۰ براساس گزینه های رشد کم و رشد متوسط سازمان ملل (پیش بینی سال ۲۰۰۴)

الف) هرم سنی جمعیت ایران براساس سناریوی پایین





### چشم انداز بازنگری در سیاست گذاری های جمعیتی موجود

قبل از پرداختن به مسئله جمعیت مطلوب ابتدا لازم است که در مورد ظرفیت جمعیتی توضیحاتی داده شود. این مفهوم به تعداد جمعیتی اشاره دارد که یک محیط طبیعی با تمام خصوصیاتش، بطور کامل از نظر نیازها تأمین کند، ظرفیت و توان جمعیتی هر کشوری را می توان با توجه به منابع و امکانات مختلفی چون زمین های قابل کشت، حاصل خیزی خاک، میزان بارندگی، معادن و ذخایر زیر زمینی و میزان توسعه صنعتی و تکنولوژیک مشخص کرد. یکی از شاخص های جمعیتی برای نشان دادن ظرفیت جمعیتی محاسبه تراکم حسابی و بیولوژیک است، در حال حاضر تراکم حسابی در ایران برابر ۴۳ نفر در هر هکتار و تراکم بیولوژیک نزدیک به ۴ نفر در هر هکتار است. تراکم حسابی جمعیت در آسیا در سال ۲۰۰۰ برابر ۱۲۰ نفر در هر هکتار است، در ارمنستان و آذربایجان تراکم جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ نفر در هر هکتار است، در ژاپن نزدیک به ۳۳۹ نفر و در کره شمالی ۱۹۷ نفر در هکتار است، لذا ایران در مقایسه با کشورهای آسیایی جزء کشورهای کم تراکم جمعیتی محسوب می شود و حتی اگر جمعیت کشور دو برابر هم شود تراکم به ۸۶ نفر در هر کیلومتر مربع خواهد رسید، نیز از سوی دیگر اگر تراکم بیولوژیک را مبنای محاسبه قرار دهیم، در حال حاضر تراکم بیولوژیک استانهای کشور دارای تفاوت های عمده ای است. مثلاً تراکم بیولوژیک استان مازندران ۸/۱، اصفهان ۱۰/۷۵، تهران ۶۰/۷۳، آذربایجان شرقی ۲/۷۳ نفر در هر هکتار زمین قابل کشت است. بنابر این با توجه به تراکم حسابی و بیولوژیک ذکر شده مشکل کنونی جمعیت ایران توزیع نامتوازن آن و تمرکز حدود ۲۰ در



کلان شهر تهران می باشد. برخی از جمعیت شناسان، ایجاد بهترین تعادل ممکن بین منابع و جمعیت را ملاک تعیین حد مناسب جمعیت می دانند و می گویند در شرایط زیر می توان به حد مناسبی از جمعیت دسترسی پیدا کرد:

- ۱- تمام افراد فعال جامعه در مشاغل مختلف اقتصادی جذب شده باشند.
- ۲- کلیه آحاد جامعه دارای سطح متوسطی از زندگی باشند به این معنی که هر فرد بتواند روزانه ۲۵۰۰ کالری در اختیار داشته باشد. همچنین بتواند بعد از تأمین مواد غذایی مقداری از درآمد خود را که دست کم ۵۰ درصد کل عایدی اش باشد در زمینه هایی غیر از احتیاجات غذایی به مصرف برساند.
- ۳- منابع کشور بدون تخریب اقتصادی و به طور منطقی و متناسب مورد بهره برداری قرار بگیرد.

در زمینه رسیدن به نقطه تعادلی جمعیت، همواره دو ملاک اساسی وجود دارد، که همواره باید به این دو مسئله توجه داشت: *الف*) حجم و رشد مطلوب جمعیت *ب*) توزیع و پراکندگی مطلوب جمعیت.

**الف) بعد نخست:** حجم و رشد مطلوب جمعیت: به این مسئله می پردازد که چه تعداد و چه رشدی برای جمعیت یک جامعه مطلوب به نظر می رسد، از نظر اقتصادی ملاک عمل برای تعیین رشد مطلوب جمعیتی، نرخ رشد تولید سرانه است (نرخ رشد تولید سرانه برابر است با نرخ رشد تولید منهای نرخ رشد جمعیت). بر مبنای الگوی رشد اقتصادی رستو، یکی از خصوصیات مرحله تکامل اقتصادی افزونی نرخ رشد تولید بر نرخ رشد جمعیت ذکر شده است و از آن بعنوان درونی رشد اقتصادی نام می برد.

**ب) بعد دوم:** توزیع و پراکندگی مطلوب جمعیت مسئله بسیار مهمی است که اخیراً نیز رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران همانند مسئله نخست به آن اشارات مهمی داشته اند، و بر لزوم سیاست های بازتوزیع جمعیت در کشور تأکید نموده اند.

توزیع و تراکم مطلوب جمعیت دارای ابعاد مختلفی است. از کشوری به کشور دیگر، و از شهری به شهر دیگر متفاوت است. مطالعات و تحقیقاتی که صورت گرفته، تراکم بهینه و متناسب برای جمعیت انسانی ابعاد مختلفی به ترتیب زیر خواهد داشت:

- توزیع بهینه فیزیکی جمعیت که عبارت است از تعداد متناسبی از جمعیت ساکن در یک مساحت معین.
- توزیع بهینه اقتصادی جمعیت شامل جمعیتی است که بر اساس پتانسیل های اقتصادی در یک منطقه زندگی می کنند.

- توزیع بهینه اجتماعی جمعیت که به مفهوم تعیین بهترین میزان و ترکیب طبقات اجتماعی در یک مجموعه شهری است.
- توزیع بهینه سیاسی - نظامی جمعیت که بهترین ترکیب و تراکم جمعیت بر اساس نیروها و گرایش‌های سیاسی در منطقه را تعیین می‌کند.
- توزیع بهینه زیست - محیطی برای جمعیت، بهترین توزیع جمعیتی است که برای محیط زیست و اکولوژی طبیعی کمترین آسیب رسانی را داشته باشد.

## پیشنهادات

در پایان جهت حل مشکلات جمعیتی کشور و دستیابی به الگوی توسعه پایدار پیشنهادات زیر عرضه می‌شود:

- ۱- تشکیل شورای عالی سیاست گذاری و برنامه ریزی جمعیت.
- ۲- رصد مداوم تحولات جمعیتی توسط مراکز علمی - پژوهشی معتبر در سطح کشور.
- ۳- انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت و جلوگیری از بروز عواقب پیش گفته.
- ۴- تدوین سیاستهای جامع جمعیتی
- ۵- تدوین سیاستهای تنظیم خانواده هوشمند با توجه الگوهای افتراقی سطح باروری و رشد جمعیت در مناطق مختلف کشور.
- ۶- شناسایی الزامات، زمینه سازی، تدوین و اجرای سیاست های مناسب جهت تشکیل، تحکیم، تعالی و گسترش خانواده در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی
- ۷- استفاده حداکثری از فرصت طلایی و پنجره جمعیتی (سهم حداکثری جمعیت مولد در کشور). اثرات پنجره جمعیتی بر رشد اقتصادی را می توان از سه بعد مورد توجه قرار داد: افزایش عرضه نیروی کار، افزایش پس اندازها و افزایش سرمایه های انسانی.
- ۸- بازنگری در سیاست کنترلی جمعیتی و اتخاذ سیاست های حمایتی و تشویقی در جهت افزایش زاد و ولد به بالای سطح جانشینی (حداقل دو الی سه فرزند)
- ۹- ارتقاء سطح آگاهی و آموزش مهارت های زندگی و تربیت فرزندان
- ۱۰- تقویت نهاد خانواده بر اساس الگوی اسلامی
- ۱۱- ازدواج بر پایه آموزه ها و سنت های متعالی اسلامی
- ۱۲- ترویج زندگی اخلاقی و همراه با عقیف و مبارزه با مظاهر فرهنگ ابتذال غربی
- ۱۳- خانواده محوری به عنوان رکن جامعه متعالی در کلیه برنامه های حاکمیتی و در کلیه فعالیت های اجتماعی زنان
- ۱۴- محور بودن خانواده در همه سیاست های اجرایی

- ۱۵- تبیین نظر اسلام در مورد خانواده و بهره برداری از ظرفیت های عظیم دینی در کشور
- ۱۶- افزایش مراکز علمی و ایجاد رشته های مرتبط با خانواده
- ۱۷- شناسایی آسیب های خانواده و تدوین برنامه های بلند مدت برای رفع آن
- ۱۸- برنامه ریزی جدی دولت و سازمانهای مردم نهاد جهت تسهیل امر ازدواج جوانان
- ۱۹- اهتمام جامعه، مردم و به ویژه بنگاه های خیریه در حمایت از ازدواج دختران بی بضاعت، یتیم و ...
- ۲۰- توجه مسئولان در افزایش تسهیلات اشتغال و ازدواج جوانان
- ۲۱- تمهید حرکت به سمت سبک خانواده اسلامی- ایرانی و زندگی ارزش گرا از طریق گسترش ازدواج آسان و پاک و گسترش فرهنگ ساده زیستی و قناعت
- ۲۲- افزایش تقید دینی خانواده های ایرانی به اعتقادات مذهبی
- ۲۳- توجه خاص حاکمیت و مسئولان نظام به خانواده و ضرورت برنامه ریزی در جهت تحکیم بنیان خانواده
- ۲۴- فعال شدن سازمانها غیر دولتی در زمینه تحکیم بنیان خانواده
- ۲۵- توجه به موضوع تحکیم خانواده در قوانین و مصوبات
- ۲۶- توجه به آموزش تحکیم خانواده در مدارس، دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی
- ۲۷- تبیین، الگوسازی و ترویج عمومی سبک زندگی خانوادگی متعالی از پیش از ازدواج تا زندگی مشترک با؛ *ارایه الگوهای عملی در زمینه خانواده متعالی با الگو برداری از اسوه های دینی و مذهبی، تدوین و انتشار دستاوردهای علمی و مطالعات پیرامون فرزندآوری در رسانه های جمعی و رسانه های علمی با هدف آگاه سازی عمومی، تبلیغات گسترده و فراگیر و با بهره گیری از ابزارهای مختلف*
- ۲۸- ارتقای فرهنگ عمومی در خصوص نقش های همسری، مادری و تعادل بین کار و خانواده
- ۲۹- حمایت دولت از مادران شاغل برای ایفای نقش همسری و مادری
- ۳۰- تقویت رویکرد استفاده از یافته ها و روش های علمی در زمینه تحکیم خانواده
- ۳۱- امکان گسترش اطلاعات و آگاهی های لازم و به موقع در زمینه تشکیل و تحکیم خانواده از سوی رسانه های عمومی در کشور
- ۳۲- تحکیم مبانی اعتقادی و تعمیق ارزش های دینی خانواده
- ۳۳- استفاده از ظرفیت های مساجد، بسیج، هیئات مذهبی و حوزه های علمیه در مباحث خانواده
- ۳۴- افزایش مبلغین زن
- ۳۵- افزایش تعداد مشاوران و مراکز مشاوره خانواده
- ۳۶- افزایش متخصصین زنان و زایمان و نازایی
- ۳۷- افزایش تعداد مراکز پزشکی و درمانی مناسب جهت بیماری های زنان، زایمان و نازایی
- ۳۸- اهتمام دولتمردان برای برنامه ریزی جهت تأمین امور اجتماعی و رفاه نسبی مردم و کاهش نابرابری ها
- ۳۹- **فرهنگ سازی به صورت؛**

**ترویج** پیامدهای منفی کاهش باروری (عوارض داروهای ضد باروری، مشکلات تربیت فرزند در تاخیر در فرزند دار شدن، مشکلات ناباروری به علت تاخیر زیاد در باروری، تغذیه نادرست و تاثیر آن در ناباروری)، **ترویج** اثرات و برکات

فرزند بیشتر ( افزایش روزی به واسطه فرزندآوری در منابع اسلامی، افزایش نسل شیعه با فرزندآوری، شادابی و اثرات مثبت روحی در خانواده به واسطه فرزند بیشتر)، **ترویج** الگوی مناسبی برای فعالیتهای اجتماعی، آموزش و اشتغال زنان (تعریف شغل مناسب برای زنان، تعریف وظیفه اصلی زن در تربیت فرزند)

**آموزش** روش های صحیح ازدواج ( انتخاب همسر، ویژگی های همسر ایده آل، هم کف بودن زن و شوهر)، **آموزش** روشهای صحیح تربیت فرزند ( رفتار والدین با فرزند، سرگرمی و تفریحات فرزندان، رفتار صحیح فرزندان با والدین)، **آموزش** روشهای صحیح تحکیم خانواده (حفظ حرمتها در خانواده، حضور حداکثری خانواده در کنار یکدیگر، رعایت حقوق در خانواده، تعریف سازگاری زن و شوهر با یکدیگر)

## راهکارها

در این بخش به ارائه راهکارهای رشد جمعیت که به سه دسته کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم می شود، می پردازیم. هر کدام از این سه بخش، شامل راهکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی از حیث سلبی و ایجابی می باشند که در قالب جدول زیر نمایش داده شده است.

فرهنگی - اجتماعی		اقتصادی	سیاسی		راهکارها
ایجابی	سلبی		ایجابی	سلبی	کوتاه مدت
			ایجابی	سلبی	میان مدت
ایجابی	سلبی				بلند مدت

## ارائه اجمالی راهکارها

اصلاح و تغییر سیاست های کلان در مبارزه با رشد جمعیت	راهکارهای کوتاه مدت
حذف یارانه های جلوگیری از بارداری و ابزار پیشگیری	
اصلاح برنامه های رسانه ای	
تولید محتوا در جهت تبیین و ترویج رشد جمعیت	
جریان سازی علمی در جهت تقویت نظرات مربوط به رشد جمعیت	راهکارهای میان مدت
اعطای تسهیلات مالی	
متناسب سازی جنسیتی رشته های دانشگاهی	
سفارش پژوهش و حمایت از آن در جهت تبیین اثرات مثبت افزایش جمعیت	

تغییر و اصلاح وضعیت اشتغال زنان و حمایت از مشاغل و تعاونی های خانگی	راهکارهای بلند مدت
تقویت و گسترش ازدواج آسان	
سربازی زنان	
تاکید بر روی نقش مادری و ارائه الگوهای موفق مادری	
برنامه ریزی در زمینه تقویت نگرش دینی در زمینه رزاقیت، توکل و توسعه رزق الهی	

## ارائه تفصیلی راهکارها

### ۱. راهکارهای کوتاه مدت

#### ۱.۱. سیاسی

##### ۱.۱.۱. سلبی

- ۱.۱.۱.۱. اصلاح قوانین تعدد فرزندان در تمامی عرصه ها در جهت افزایش جمعیت
- ۱.۱.۱.۲. تهیه آیین نامه و بخش نامه جهت حذف و ممنوعیت اجرای برنامه تنظیم خانواده در مراکز بهداشتی از سوی وزارت بهداشت
- ۱.۱.۱.۳. حذف و اصلاح قوانین استخدامی و قانون خدمات کشوری همسو با کاهش جمعیت و بازدارنده افزایش باروری

##### ۱.۱.۲. ایجابی

- ۱.۱.۲.۱. تصویب قوانین حمایتی از تعداد فرزند بیشتر
- ۱.۱.۲.۱.۱. استفاده از شیوه پلکانی در طرح های حمایتی از تعداد فرزند بیشتر
- ۱.۱.۲.۱.۲. اعطای معافیت و کاهش خدمت نظام وظیفه به جوانانی که دارای دو فرزند و بیشتر می باشند.
- ۱.۱.۲.۱.۳. حمایت بیشتر از زنان کارمند به ویژه باردار و دارای فرزند زیر ۵ سال، در قالب تصویب قوانین حمایتی مانند مرخصی با حفظ سمت سازمانی یا دور کاری، کارپروژه ای، تلفنی و ...
- ۱.۱.۲.۱.۴. اولویت استخدام پدران خانواده های بیش از ۳ فرزند

#### ۱.۲. اقتصادی

- ۱.۲.۱.۱. حذف یارانه اختصاص یافته به راه ها و ابزارهای پیشگیری از بارداری و قرار دادن تعرفه بر روی ابزار و لوازم جلوگیری از بارداری
- ۱.۲.۱.۲. تشکیل بازارچه دائمی برای تهیه جهیزیه ارزان قیمت و خدمات لازم در زمینه ازدواج
- ۱.۲.۱.۳. پرداخت یارانه به درمان ناباروری و تعمیم بیمه ها

## ۱.۳. فرهنگ اجتماعی

### ۱.۳.۱. سلبی

- ۱.۳.۱.۱. کاهش و جلوگیری از تبلیغ:  
خانواده های پرجمعیت به عنوان خانواده ای فقیر ۱.۳.۱.۱.۱  
خانواده هایی بدون فرزند یا خانواده های تک فرزندی به عنوان خانواده ای موفق ۱.۳.۱.۱.۲  
افرادی که در سنین بالا هنوز ازدواج نکرده اند به عنوان یک فرد موفق یا افراد مشهوری که در سنین بالا ازدواج می کنند ۱.۳.۱.۱.۳  
فرهنگ هایی که در آن بدون بچه می توان کارها را انجام داد ۱.۳.۱.۱.۴  
مهریه ها و جهیزیه های سنگین ۱.۳.۱.۱.۵  
مراسمات پرزرق و برق ازدواج ۱.۳.۱.۱.۶  
شعارهای ضد جمعیتی مانند: فرزند کمتر زندگی بهتر، فرزند کمتر رفاه بیشتر ۱.۳.۱.۱.۷

### ۱.۳.۲. ایجابی

- ۱.۳.۲.۱. جریان سازی با کمک اساتید حوزه و دانشگاه در زمینه افزایش جمعیت و پاسخگویی به نظرات مخالف در ارتباط با افزایش جمعیت در قالب هایی همچون همایش، سمینارها، کتب، سایت ها و ...  
۱.۳.۲.۲. بهره گیری از حوزه های علمیه، فتاوا و نظرات مراجع در رابطه با افزایش جمعیت و همچنین تبیین احکام فقهی راه های ممنوع و غیر شرعی جلوگیری از بارداری  
۱.۳.۲.۳. تولید و محتوا:  
۱.۳.۲.۳.۱. جمع آوری و احصاء دیدگاه های اسلامی و آیات و روایات و ترویج ارزش های دینی در ارتباط با جمعیت و جمع آوری احادیث ترغیب کننده به فرزند داری و ازدیاد نسل (مانند: رسول گرامی اسلام (ص) می فرمایند: تناکو نتاسلوا اباهی بکم الامم یوم القیامه (مستدرک الوسایل جلد چهارده ص ۱۵۳)  
۱.۳.۲.۳.۲. ازدواج آسان در کلام حضرت امام و رهبری  
۱.۳.۲.۳.۳. پیرامون ازدواج های اهل بیت (ع) و علمای اسلام  
۱.۳.۲.۳.۴. تربیت فرزند و ازدواج به موقع  
۱.۳.۲.۳.۵. شعارهای مناسب در زمینه رشد جمعیت  
۱.۳.۲.۳.۶. حامل های فرهنگی مانند فیلم و سریال و کتاب و سایت و ... از مادرانی که ۳ فرزند به بالا دارند و دارای برجستگی خاصی مانند مادران شهدا و...  
۱.۳.۲.۴. ترویج و تحسین فرزند دار شدن از سوی صدا و سیما؛ نمایش زیبا از فرزند داری، حاملگی، فرزند زیاد در انواع قالب های برنامه صدا و سیما  
۱.۳.۲.۵. تهیه فیلم، سریال و مستند از زندگی خانواده های پر جمعیت موفق  
۱.۳.۲.۶. طراحی مسابقات تلویزیونی برای خانواده های پر جمعیت  
۱.۳.۲.۷. به تصویر کشیدن مراسمات ساده ازدواج به عنوان مراسمات الگو در قالب های مختلف  
۱.۳.۲.۸. به تصویر کشیدن امکان پذیر بودن زندگی با والدین و نهی تبلیغات منفی علیه آن در قالب های مختلف  
۱.۳.۲.۹. تولید برنامه در زمینه نقش جمعیت در زوال تمدن ها، امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

- ۱.۳.۲.۱۰. تولید برنامه در زمینه کاهش توقعات جوانان و خانواده ها در زمینه مسکن، اشتغال، مراسمات ازدواج و...
- ۱.۳.۲.۱۱. معرفی مادران دارای ۲ فرزند شهید به بالا و استفاده از حضور آنان در محیط های اجتماعی و آموزشی مانند مدارس و دانشگاه ها و مساجد و ...
- ۱.۳.۲.۱۲. ترویج و تبلیغ فواید بهداشتی و پزشکی بارداری برای زنان
- ۱.۳.۲.۱۳. تبیین و تبلیغ جهاد زنان در فرزند بیشتر، طرح جهاد مادر
- ۱.۳.۲.۱۴. ترویج و اشاعه اصطلاحات و ضرب المثل هایی با موضوع فرزندداری و تولید نسل (مثل ضرب المثل هر آنکس که دندان دهد نان دهد)
- ۱.۳.۲.۱۵. بهره گیری از تجارب بین المللی در زمینه افزایش جمعیت
- ۱.۳.۲.۱۶. تبلیغ در جهت کاهش استفاده از داروهایی که موجب سقط می شود. مثل داروهای ضد التهاب غیر استروئیدی (NSAIDs) همچون ایبوپروفن و اسپرین.
- ۱.۳.۲.۱۷. تبیین فواید و محاسن رشد جمعیت در حوزه سیاست و اقتصاد
- ۱.۳.۲.۱۸. بازنگری و تغییر عنوان هفته «جمعیت و تنظیم خانواده» به هفته «جمعیت و تعالی خانواده»
- ۱.۳.۲.۱۹. ترغیب صاحبان سخن و قلم در جهت ترویج ازدواج
- ۱.۳.۲.۲۰. ارائه الگوهایی زندگی های موفق با مهریه اندک

## ۲. راهکارهای میان مدت

### ۱.۲. سیاسی

#### ۲.۱.۱. سلبی

- ۲.۱.۱.۱. حذف قانون سنوات تحصیلی برای زنان صاحب فرزند و یا افزایش سنوات تحصیلی برای آنها و نگرفتن هزینه اضافه جهت ادامه تحصیل آنها
- ۲.۱.۱.۲. اخراج نکردن دانش آموزان دختر از مدارس به دلیل ازدواج تا پایان دبیرستان یا تخصیص مدارس متعدد و در دسترس ویژه دختران ازدواج کرده
- ۲.۱.۱.۳. کم کردن حضور زنان در محل کار از طریق قالب های دورکاری، پروژه ای، کاهش ساعت کاری و زمینه سازی برای حضور بیشتر در خانه
- ۲.۱.۱.۴. مبارزه با شبکه های مردم نهاد مروج کاهش جمعیت و برهم زنده کیان خانواده در فضای حقیقی و مجازی

#### ۲.۱.۲. ایجابی

- ۲.۱.۲.۱. تناسب سازی جنسیتی در رشته های دانشگاهی و متناسب سازی رشته ها با خلیقات زنان و خانواده
- ۲.۱.۲.۲. ایجاد یک دوره مانند دوره سربازی زنان در راستای آماده سازی آنها برای اشتغال، ادامه تحصیل، مهارت های زندگی و موارد دیگر
- ۲.۱.۲.۳. افزایش سنوات تحصیلی برای مردان و زنان صاحب فرزند
- ۲.۱.۲.۴. قراردادن حد قانونی برای میزان مهریه
- ۲.۱.۲.۵. تشکیل ستاد خیران ازدواج (همانند ستاد خیران مدرسه ساز)

۲،۱،۲،۶. شناسایی خلأهای قانونی کیفری در زمینه جرائم جنسی و تدوین مقررات و پیگیری نحوه اجرایی قوی

## ۲،۲. اقتصادی

- ۲،۲،۱. اعطای بیمه به تمامی فرزندان خانواده با نرخ بیمه یکسان
- ۲،۲،۲. پرداخت کمک هزینه های زایمان توسط دولت و اعطای تسهیلات مالی و رفاهی برای مردان در هنگام زایمان همسران شان
- ۲،۲،۳. پرداخت مبلغی به عنوان هدیه از سوی دولت به ازای تولد هر فرزند
- ۲،۲،۴. اعطای تسهیلات برای ازدواج سنین پایین مانند افزایش وام ازدواج به صورت پلکانی با اولویت بر سنین پایین (با افزایش سن، از تسهیلات کم شود)
- ۲،۲،۵. اعطای سهام عدالت به صورت پلکانی (بر اساس سن) به زوجین
- ۲،۲،۶. تسهیلات به خانواده های پرجمعیت به منظور رفاه بیشتر آنان مانند وام خودرو، اعطای وام مسکن برای مساحت بالا
- ۲،۲،۷. توسعه خوابگاه های متأهلی در جهت تسهیل ازدواج در دوران دانشجویی
- ۲،۲،۸. ارائه تسهیلات برای مجموعه های مهیا کننده اسباب ازدواج
- ۲،۲،۹. حمایت از مشاغل و تعاونی های خانگی برای زنان
- ۲،۲،۱۰. قراردادن مشوق هایی برای دارندگان مهریه اندک (پرداخت وام بیشتر، تسهیلاتی مثل مسکن مهر و ...)

## ۲،۳. فرهنگی اجتماعی

- ۲،۳،۱،۱. مبارزه با ایجاد زمینه های کودک سالاری و القای یک جانبه حقوق کودک در مقابل والدین
- ۲،۳،۱،۲. حذف مطالب القای مطلوبیت خانواده کوچک و اختصاص سر فصل هایی به موضوع افزایش جمعیت و تکثیر نسل سالم و صالح
- ۲،۳،۱،۳. تبیین آثار مخرب جلوگیری از بارداری و عوارض دارو های ضدبارداری بر سلامت روحی و جسمی زنان
- ۲،۳،۱،۴. برنامه سازی در قالب های مختلف در جهت تبیین عوارض کاهش جمعیت و فرزند کم
- ۲،۳،۱،۵. تبلیغ در جهت کاهش و جلوگیری از استفاده از روش های اضطراری پیشگیری از بارداری
- ۲،۳،۱،۶. افزایش آگاهی های مردم درباره مضرات سزارین و استفاده هر چه بیشتر از روش بارداری طبیعی
- ۲،۳،۱،۷. ساماندهی مشاوره ازدواج و همسریابی و اصلاح و تغییر در محتوای مشاوره قبل از ازدواج و تدوین اصول و شیوه های مشاوره جهت افزایش جمعیت
- ۲،۳،۱،۸. اصلاح محتوای درس تنظیم خانواده در دانشگاه ها و تدوین محتوایی جایگزینی آداب زندگی اسلامی
- ۲،۳،۱،۹. تشویق توسط خطباء، ائمه جمعه و مبلغین برای طرح افزایش جمعیت (تبلیغ چهره های مذهبی برای افزایش فرزند دار شدن)
- ۲،۳،۱،۱۰. تنظیم و تدوین برنامه های درسی دانشجویان پسر جهت فراهم کردن فضای زمانی مناسب جهت اشتغال
- ۲،۳،۱،۱۱. تنظیم و تدوین برنامه های درسی دانشجویان دختر جهت فراهم کردن فضای زمانی مناسب جهت خانه داری



- ۲،۳،۱،۱۲. دوره های آزاد فنی و حرفه ای با استفاده از امکانات هنرستان ها در کسب مهارت های شغلی
- ۲،۳،۱،۱۳. تقویت آموزش های کودک یاری و خانه داری در مقطع راهنمایی و دبیرستان برای دختران
- ۲،۳،۱،۱۴. برگزاری جلسات آموزش برای مشاورین مدارس دخترانه در زمینه ازدواج و خانه داری به هنگام گسترش تحصیلات کاربردی - هنرستان برای عموم و افزایش رشته های کاربردی زنانه در هنرستان های دخترانه مثل خیاطی و تربیت فرزند...
- ۲،۳،۱،۱۵. ارائه الگو های رژیم غذایی مناسب فرزند آوری و تقویت جسمی مردان و زنان (احیای رژیم سنتی)
- ۲،۳،۱،۱۶. ارائه مشاوره های رایگان برای والدین تک فرزند در مراکز مشاوره در جهت ترغیب به افزایش فرزند
- ۲،۳،۱،۱۷. ترویج بچه دار شدن در فضای شهری در قالب مناسب سازی شهری از سوی شهرداری برای حضور زنان دارای فرزند و در نظر گرفتن امتیازات شهری برای این زنان مانند قرار دادن مکانی در اتوبوس برای زنان حامله و یا در اختیار قرار دادن امکانات تفریحی و دیگر امکانات شهرداری برای زنان دارای فرزند
- ۲،۳،۱،۱۸. تشویق علما برای ارائه احادیث و روایات مبنی بر ضرورت مهریه اندک و نهی از مهریه زیاد
- ۲،۳،۱،۱۹. بهره گیری از ظرفیت خطبای جمعه پیرامون ازدواج آسان در مناسبت های خاص
- ۲،۳،۱،۲۰. برگزاری جشنواره با موضوع سنت های صحیح بومی و اسلامی در ازدواج
- ۲،۳،۱،۲۱. سوق دادن افراد واقف به سمت وقف در زمینه ازدواج مثل وقف مسکن برای جوانان و ...
- ۲،۳،۱،۲۲. ارائه الگوی جمع بین تحصیلات و شاغل بودن بانوان با فرزند داری
- ۲،۳،۱،۲۳. سفارش و حمایت از پژوهش در زمینه های:
- ۲،۳،۱،۲۳،۱. حمایت از پژوهش های جمعیتی مستقل و منصف و مصلحت شناس
- ۲،۳،۱،۲۳،۲. ارائه شاخص و الگو های اسلامی با توجه به احادیث با موضوع رشد جمعیت و تعدد فرزند
- ۲،۳،۱،۲۳،۳. رابطه رشد جمعیت و ثروت

## ۳. راهکارهای بلند مدت

### ۳،۱. سیاسی

- ۳،۱،۱،۱. بازنگری لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان برای ایجاد ضمانت های لازم برای والدین در ایفای نقش های تربیتی با رویکرد تشویق به تعداد اولاد
- ۳،۱،۱،۲. رصد مداوم تحولات جمعیتی و ترسیم الگوی رشد جمعیت بر اساس آمایش سرزمین و توسعه ایرانی اسلامی و تدوین سیاست ها و برنامه های جمعیتی کشور منطبق با الگو
- ۳،۱،۱،۳. اصلاح و تغییر سیاست های کلان درمبارزه با رشد جمعیت
- ۳،۱،۱،۴. مدیریت جریان مهاجرت و اتخاذ راهکارهایی برای مهاجرت معکوس با اولویت انتقال جمعیت به روستا و شهرهای کوچک و همچنین مهاجرت به داخل کشور
- ۳،۱،۱،۵. تدوین برنامه حضور اجتماعی و اشتغال زنان متناسب با مسئولیت خانوادگی
- ۳،۱،۱،۶. به رسمیت شناختن شغل خانه داری با طرح لوائح و قوانین حمایتی از آن
- ۳،۱،۱،۷. اعطای مدرک معتبر به زنان موفق دارای ۵ فرزند و استفاده از ایشان به عنوان مربیان تربیتی در محلات و مدارس و مساجد
- ۳،۱،۱،۸. تقویت مؤسسات مردم نهاد متمرکز بر امر ازدواج آسان

- ۳،۱،۱،۹. تأسیس و تقویت مراکز تحقیقات دانشجویی به منظور اشتغال دانشجویی
- ۳،۱،۱،۱۰. تدوین سند «ارتقاء امنیت زنان و کودکان» و آیین نامه اجرایی با عنایت به سیاست افزایش جمعیت
- ۳،۱،۱،۱۱. تأسیس انجمن و تشکل بین المللی ازدیاد فرزند و استحکام خانواده یا دوستی کودک و ازدیاد نسل با اولویت عضویت کشورهای اسلامی
- ۳،۱،۱،۱۲. تشکیل بانک اطلاعاتی در زمینه ازدواج در کلان شهرها به منظور آسان تر شدن همسریابی

## ۳،۲. اقتصادی

- ۳،۲،۱،۱. حمایت و مشارکت دولت با خانواده ها در تامین اعتبار برای طرح های مختلف آتیه کودکان مانند مسکن، ازدواج، سرمایه کار و ... برای جوانان (طرح هایی که والدین برای آینده فرزندان در زمینه های مختلف با همکاری دولت انجام می دهند)

## ۳،۳. فرهنگی اجتماعی

### ۳،۳،۱. سلبی

- ۳،۳،۱،۱. از میان بردن این تفکر که افزایش تعدد فرزندان به معنای در مضیقه اقتصادی قرار گرفتن است « و لا تقتلو اولادکم خشیه املاق نحن نرزقهم و ایاکم قتلهم کان خطا کبیرا» (آیه ۳۱ سوره اسراء)
- ۳،۳،۱،۲. تلاش برای تغییر برخی از نگرش های به وجود آمده در مورد ارزش باری بودن و به هم خوردن تناسب اندام در صورت فرزند دار شدن

### ۳،۳،۲. ایجابی

- ۳،۳،۲،۱. تاکید بر روی نقش مادری و ارائه الگوهای موفق مادری
- ۳،۳،۲،۲. ارائه حامل های فرهنگی حاوی نقش مادر مانند شعر، داستان، رمان و ...
- ۳،۳،۲،۳. سوق دادن خانم ها به رشته هایی که در منزل می توان آن را انجام داد
- ۳،۳،۲،۴. برنامه ریزی در زمینه تقویت نگرش دینی در زمینه رزاقیت، توکل و توسعه رزق الهی و اجتناب ترس از فقر به واسطه فرزند بیشتر

## بایسته های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی

### مقدمه

با مطرح شدن موضوع ضرورت تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی ایران و اعلام خطر برخی از کارشناسان در زمینه کاهش شدید جمعیت کشور، از اوایل سال ۱۳۹۱ موضوع تدوین «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضات راهبردی کشور» در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲ این راهبردها به تصویب شورای یادشده رسید. در این مصوبه به «فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پی‌آمدهای منفی کاهش باروری به ویژه زیرحد جانشینی» توجه ویژه‌ای شده است و بر همین اساس در بند ۱ ماده ۳ آن، «تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما و شبکه‌های استانی آن با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی» یکی از اقدام‌های ملی متناسب با راهبردهای جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن، برشمرده شد.

با توجه به این مصوبه، رسانه ملی باید راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود برای تغییر گفتمان موجود در زمینه فرزندآوری را به روشنی تدوین و بر اساس برنامه‌ای دقیق و حساب‌شده گفتمانی جدید را در جامعه حاکم کند. گفتمانی که در نهایت به عبور از مرحله بحرانی کاهش جمعیت و افزایش آن تا رسیدن به حد مطلوب بینجامد.

از این رو، این مقاله پس از تبیین مهم‌ترین بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی به بررسی راهبردها و سیاست‌هایی می‌پردازد که رسانه ملی برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی باید در پیش گیرد.

### زمینه های تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی

در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰ برای تحقق شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، اقدام‌های فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای، با بهره‌گیری از ظرفیت همه مراکز سازمان‌های دولتی و برخی نهادهای غیردولتی برای کاهش نرخ رشد جمعیت انجام شد، تا جایی که میزان باروری کل از ۶/۳ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۶ در سال ۱۳۹۰ رسید و میانگین رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت. این موضوع موجب نگرانی جمعی از کارشناسان کشور و زمینه‌ساز تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی شد (امانی، ۱۳۸۸، ص ۹۸). به گونه‌ای که از آغاز سال ۱۳۹۱ موضوع کاهش روزافزون جمعیت کشور به دغدغه‌ای برای مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی تبدیل

شد و آنان را به تکاپو برای اصلاح سیاست جمعیتی کشور واداشت (ر. ک: میزگرد تخصصی، ۱۳۹۱). نخستین اقدام در این زمینه، تدوین «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضات راهبردی کشور»، مصوب ۱۳۹۱/۳/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. در ماده ۲ این مصوبه با عنوان «راهبردهای ملی»، شش راهبرد به شرح ذیل پیش‌بینی شده بود.

- ۱- فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری به‌ویژه زیر حد جانشینی؛
- ۲- تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری؛
- ۳- تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری؛
- ۴- ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت کشور؛
- ۵- آمایش مستمر جمعیتی کشور و تدوین سیاست‌های مهاجرتی به منظور جهت‌دهی به جابجایی‌های جمعیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ۶- اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت کشور از طریق متناسب ساختن نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضات سلامت، معیشت و فرهنگ آن‌ها (مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی).

ماده ۳ مصوبه یادشده، به بیان «اقدامات ملی متناسب با هریک از راهبردهای ملی موضوع ماده ۲» اختصاص یافته و در بند ۱ آن چنین آمده است: «تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما و شبکه‌های استانی آن با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبرد».

### بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی

«سیاست جمعیتی» مجموعه اصول، تدابیر و تصمیم‌های مدون جمعیتی است که یک دولت در کشور خود در پیش می‌گیرد و حدود فعالیت‌هایش را درباره مسائل جمعیتی، یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند. هدف سیاست جمعیتی، منطقی کردن و هماهنگ ساختن دگرگونی‌های جمعیتی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، برای رسیدن به رفاه و بهروزی بیشتر جمعیت است. به طور کلی، سیاست جمعیتی هنگامی تدوین و تصویب می‌شود که پدیده و موضوع جمعیت در جامعه‌ای به «مسئله» تبدیل شود، درباره آن در اذهان عمومی به‌ویژه اذهان اندیشمندان جامعه «شناخت» عینی پدید آید و «برنامه کار» برای آن تدوین شود. هر سیاست مستلزم وجود «اهداف عینی و اساسی» و «اهداف عملی» است. به اقدام‌هایی که در

جامعه به منظور رسیدن به اهداف عملی صورت می گیرد، «برنامه اجرایی» میگویند. (تقوی ۱۳۷۸، ص ۱۴۵).  
مهم‌ترین بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی کارآمد را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

#### **الف) شناسایی دقیق عوامل بحران جمعیتی**

لازم به یاد آوری است که پیش از تدوین و تصویب هر گونه سیاست جمعیتی باید عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری بحران یا مسئله جمعیتی را به طور دقیق شناسایی کرد تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه به هنگام ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از بحران جمعیتی دچار اشتباه نشوند.

#### **ب) ایجاد وفاق اجتماعی درباره سیاست جمعیتی**

بی‌تردید، شرط موفقیت هر سیاست جمعیتی همراهی و همدلی اقشار گوناگون به ویژه اندیشه‌ورزان جامعه و گروه‌های مرجع و اثرگذار اجتماعی، با آن سیاست است. از این رو، باید پیش از ورود به مراحل اجرایی سیاست جمعیتی با به کارگیری ابزار گوناگون رسانه‌ای و ارتباطی و همچنین برگزاری نشست‌ها، هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های علمی با روحانیان، دانشگاهیان، پژوهشگران، مسئولان سازمان‌های مردم‌نهاد، اصحاب رسانه و مطبوعات و ... آنها را با وجوه گوناگون بحران و مسئله جمعیتی پیش رو، دلایل و ضرورت‌های در پیش گرفتن سیاست جمعیتی آشنا و نقش و مسئولیت آن‌ها را در این زمینه روشن ساخت.

#### **ج) تعیین دقیق اهداف عینی و عملی**

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه، به هنگام تدوین سیاست جمعیتی، باید اهداف عینی و عملی را که در پی تحقق آن هستند، به طور دقیق و مشخص معلوم کنند که در بازه زمانی مورد نظر چگونه می‌خواهند دگرگونی‌های جمعیتی را با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، هماهنگ ساخت و در مجموع در ابعاد گوناگون جمعیت از جمله ساخت، اندازه، حرکات، اجزا، آمار حیاتی، مهاجرت، باروری و تنظیم مولید، چه تغییراتی را می‌خواهند ایجاد کنند.

#### **د) به کارگیری همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه**

تحقق سیاست جمعیتی، مستلزم اقدام‌های گسترده آموزشی، تبلیغی، ترویجی، پزشکی، بهداشتی، اقتصادی و ... است. بنابراین، برای تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده در سیاست جمعیتی باید از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، به صورت هدفمند و سازمان‌یافته استفاده کرد.

#### **ه) ارزیابی دقیق عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مسئول**

برای تحقق اهداف عینی و عملی سیاست جمعیتی در بازه زمانی تعیین شده باید به طور مستمر عملکرد سازمان‌ها و نهادهایی که در برنامه اجرایی سیاست جمعیتی به آن‌ها نقش‌ها و مسئولیت‌هایی سپرده شده

است، در شورایی که به ریاست بالاترین مقام اجرایی کشور تشکیل می‌شود، ارزیابی و سازمان‌ها و نهادهایی که به خوبی عمل کرده‌اند، تشویق و سازمان و نهادهایی که به خوبی عمل نکرده‌اند، تنبیه شوند.

### **(و) پایش مستمر تغییرات جمعیتی**

تجربه سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی در دهه هفتاد و هشتاد نشان داد که پایش نکردن نتایج حاصل از اعمال سیاست‌های جمعیتی، می‌تواند کشور را با بحران جمعیتی تازه‌ای مواجه کند. بنابراین، پس از تعیین دقیق اهداف عینی و عملی سیاست جمعیتی باید به طور دقیق و مستمر تغییرات ابعاد جمعیت پایش شود تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه بتوانند سیاست جمعیتی را با آخرین تغییرات ابعاد جمعیت هماهنگ سازند.

### **راهبردهای رسانه ملی**

مهم‌ترین راهبردهای رسانه ملی برای فرهنگ‌سازی در زمینه تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، از کاهش جمعیت به افزایش جمعیت را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

#### **(الف) گفتمان‌سازی در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد**

اقدام‌های گوناگون فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، اجتماعی، اقتصادی و... که در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد در زمینه مهار رشد جمعیت در کشور صورت گرفت، موجب ایجاد گفتمان ویژه در زمینه زاد و ولد در جامعه ما شد؛ گفتمانی که به تدریج در سراسر کشور و در میان همه قشرهای شهری و روستایی، مرفه و مستمند، تحصیل کرده و بی‌سواد، مذهبی و غیرمذهبی نهادینه شد و این ذهنیت را در همه ایجاد کرد که داشتن بیش از دو یا سه فرزند، ناهنجار و خلاف چارچوب‌های پذیرفته‌شده اجتماعی است. این گفتمان همچنان در جامعه ما حاکم است و به همین دلیل حتی افرادی که از تمکن مالی خوبی برخوردارند، حاضر نیستند بیش از دو یا سه فرزند داشته باشند. از این‌رو، می‌توان گفت نخستین گام در اصلاح سیاست‌های جمعیتی کشور، تغییر گفتمان حاکم و ایجاد گفتمانی جدید بر مبنای ضرورت افزایش زاد و ولد است.

#### **(ب) ایجاد زمینه‌های لازم برای تحکیم خانواده‌ها**

بر اساس آمارهای سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۸۳ تعداد ۷۲۳۹۷۶ رویداد ازدواج و تعداد ۷۳۸۸۲ رویداد طلاق به ثبت رسیده است، در حالی که در سال ۱۳۹۰ تعداد ۸۷۴۷۹۲ رویداد ازدواج و تعداد ۱۴۲۸۴۱ رویداد طلاق به ثبت رسیده است. بر اساس این آمار، در طول این مدت، تعداد ازدواج‌ها حدود ۲۰/۸ درصد و تعداد طلاق‌ها حدود ۹۳/۳ درصد رشد داشته است. آمارهای یادشده، همچنین حکایت از این دارد که نسبت

ازدواج به طلاق در سال ۱۳۸۳، ۹/۸ بوده است، ولی این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۶/۱ رسیده، یعنی حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است. کاهش چشمگیر نسبت ازدواج به طلاق، و افزایش قابل توجه میزان طلاق، در سال های اخیر زمینه ساز مشکلات و آسیب های گوناگون فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در جامعه ما شده که یکی از آنها کاهش نرخ باروری است.

بی تردید، آنگاه می توان به ظرفیت خانواده هایی که در حال حاضر در جامعه شکل گرفته اند، برای افزایش جمعیت تکیه کرد که این خانواده ها از ثبات و آرامش لازم برخوردار باشند. در شرایطی که عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجب فروپاشی خانواده ها و بی ثباتی آنها می شوند، هرگز نمی توان به ایجاد نسلی جدید از دل خانواده ها امید داشت. از این رو رسانه ملی باید با در پیش گرفتن سیاست های ذیل، از همه ظرفیت های خود برای تحکیم نهاد خانواده استفاده کند؛

- ۱- آموزش حقوق و مسئولیت های خانوادگی زن و مرد به جوانان در آستانه ازدواج؛
- ۲- توانمندسازی جوانان برای مقابله با مسائل و مشکلاتی که در کانون خانواده با آنها روبه رو می شوند؛
- ۳- به تصویر کشیدن روابط مطلوب اعضای خانواده در برنامه های نمایشی؛
- ۴- بررسی و تبیین ویژگی های خانواده تراز اسلامی در برنامه های کارشناسی؛
- ۵- پرهیز از به تصویر کشیدن مداوم خانواده های نابسامان و روابط ناهنجار اعضای خانواده با یکدیگر در برنامه های نمایشی؛
- ۶- پرهیز از نگرش های فمینیستی در به تصویر کشیدن روابط اعضای خانواده با یکدیگر.

### ج) زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج

بر اساس گزارش رئیس سازمان ثبت احوال کشور، «سن ازدواج برای مردان و زنان نسبت به سال های گذشته افزایش یافته و به میانگین ۲۷/۲ سال برای مردان و حدود ۲۳ سال برای زنان رسیده که این آمارها زنگ خطری برای افزایش مجرد قطعی در جامعه است. بی تردید، افزایش سن ازدواج، موجب تغییر الگوی باروری مادران و کاهش رشد جمعیت خواهد شد. پیک الگوی سنی باروری مادران در سال ۱۳۸۵، ۲۰ تا ۲۴ سال بوده که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۲۵ تا ۲۹ سال افزایش یافته است. بنابراین، الگوی باروری مادران در سال های اخیر تحت تأثیر مستقیم افزایش سن ازدواج بوده است. افزایش سن الگوی باروری مادران می تواند در میان مدت موجب کاهش نرخ موالید شده و به مرور میزان رشد جمعیت را به صفر و حتی منفی برساند. بنابراین، یکی از مهم ترین گام ها در راه افزایش جمعیت کشور، زمینه سازی برای کاهش سن ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده برای جوانان است.

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، در حال حاضر بیش از هفده میلیون نفر جوان ۲۰ تا ۲۹ سال در کشور وجود دارند که اگر زمینه برای ازدواج آنها فراهم شود، می توان امیدوار بود که در سال های آینده جمعیت کشور به میزان قابل توجهی افزایش یابد. بنابراین، رسانه ملی برای تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه افزایش جمعیت، باید یکی از راهبردهای اساسی خود را زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج جوانان در آستانه ازدواج قرار دهد و با اقدام های گوناگون برای تسهیل شرایط ازدواج جوانان زمینه سازی کند: برخی اقدام هایی که رسانه ملی در این زمینه می تواند انجام دهد به این شرح است:

- ۱- فرهنگ سازی برای کاستن سطح توقع جوانان و خانواده های آنان؛
- ۲- پرهیز از نشان دادن بی دلیل خانه ها و زندگی های اشرافی و پرتجمل در برنامه های نمایشی؛
- ۳- پرهیز از به تصویر کشیدن زندگی زوج های جوانی که برخلاف بسیاری از همسران جوان، نخستین روزهای ازدواج خود را در کمال رفاه و آسایش و بی هیچ نگرانی مالی تجربه می کنند؛
- ۴- ترویج قناعت و ساده زیستی و دوری از زیاده خواهی و تجمل گرایی، با بهره گیری از قالب های اثرگذاری همچون فیلم ها و سریال های تلویزیونی؛
- ۵- برگزاری نشست های کارشناسی درباره دلایل و زمینه های بالا رفتن سن ازدواج؛
- ۶- برگزاری نشست های کارشناسی درباره پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج.

#### **د) اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری**

اجرای بیش از دو دهه سیاست تحدید موالید در کشور و اقدام های گوناگون فرهنگی - اجتماعی که در این زمینه انجام شد، موجب تغییر اساسی نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری شده است. امروز بیشتر زوج های جوان، دست کم در چند سال نخست زندگی، ضرورتی برای فرزند دار شدن احساس نمی کنند و فرزند داری را مزاحم تحصیل، اشتغال، رفاه و رشد و پیشرفت خود می دانند. به همین دلیل آن ها حتی اگر مشکل مالی هم نداشته باشند، حاضر به فرزند دار شدن نمی شوند. به همین دلیل، رسانه ملی برای تحقق سیاست افزایش جمعیت، در ابتدا باید به اصلاح و تغییر بینش، نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری بپردازد و با برنامه ریزی دقیق و حساب شده و در بازه زمانی مشخص، بر هر سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری مخاطبان با ارائه پیام های مناسب اثر بگذارد.

#### **ه) ترویج فرهنگ اعتماد و خوش بینی به خداوند**

آموزه های اسلامی، همواره مردم را به خوش بینی به خداوند متعال و اعتماد و توکل بر او فرا می خوانند تا آنجا که امام باقر (ع) از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می کند که فرمود:

"سوگند به آنکه جز او خدایی نیست، خیر دنیا و آخرت به مؤمنی ارزانی نمی شود، مگر به دلیل خوش گمانی و امیدواری او به خدا... سوگند به آنکه جز او خدایی نیست، هیچ بنده مؤمنی به خدا خوش گمان نمی شود،



مگر اینکه خداوند در کنار گمان بنده مؤمنش حاضر می شود؛ زیرا خداوند کریم است و همه خیرها به دست اوست. او شرم می کند که بنده مؤمنش به وی خوش گمان شود، ولی او خلاف گمان بنده اش، عمل و امیدش را ناامید کند؛ پس به خداوند خوش گمان و به او امیدوار باشید" (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۲).

در قرآن کریم بر این خوش بینی، اعتماد و توکل، در موضوع تشکیل خانواده و فرزنددار شدن بیشتر تأکید شده است. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید؛ اگر تنگدستاند، خداوند آنان را از فضل خویش بینیا خواهد کرد و خدا گشایشگر و داناست» (نور: ۳۲).

«و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می رسانیم» (انعام: ۱۵۱).

در همین زمینه از رسول گرامی اسلام چنین روایت شده است: «هرکس از بیم تنگدستی ازدواج را ترک کند، به پروردگار خود بدگمان شده است؛ زیرا خداوند می فرماید: اگر تنگدستاند، خداوند آنان را از فضل خویش بینیا خواهد کرد و خدا گشایشگر و داناست».

بر این اساس، رسانه ملی برای از بین بردن یکی از موانع عینی و ذهنی تشکیل خانواده و فرزنددار شدن، یعنی بیم از تنگدستی یا ناتوانی در تأمین رزق و روزی فرزند، باید این سیاست ها را در پیش گیرد.

- ۱- جلوگیری از ترویج فرهنگ مادی گرایانه و رفاه طلبانه در فیلم ها، سریال ها، آگهی های بازرگانی و ...
- ۲- ترویج فرهنگ اعتماد، توکل و خوش بینی به خداوند با نمایش برنامه های کارشناسی، نمایشی، مستند، نماهنگ و ...

### **و) اصلاح برداشت های نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان**

یکی از آثار و پیامدهای ناگوار رواج اندیشه های فمینیستی، پدید آمدن برداشت های انحرافی درباره هویت زنانه بود. یکی از نویسندگان غربی در این باره می نویسد: "نیم قرن پیش، تعداد معدودی از زنان، زمینه ایجاد انقلابی فرهنگی و فلسفی را ایجاد کردند. آن ها اعتقاد داشتند که زنان باید خود را از یوغ ستم مردان رها سازند و برای رسیدن به این هدف، کتاب ها نوشتند، مقالاتی منتشر کردند، در کالج ها تدریس کردند، در خیابان ها تظاهرات کردند، کنگره تشکیل دادند و بدین ترتیب، موفق شدند قلب و روح میلیون ها زن را تسخیر کنند. آن ها برای آنچه مفهوم زن را دربر داشت، تعریفی جدید ارائه دادند و موجب تغییر دیدگاه های موجود درباره اولویت ها و مسئولیت های زنان در زندگی شدند. مفاهیمی چون زهد، پاکدامنی، اطاعت، خویشتن داری و نجابت از واژه نامه ها حذف شد و واژه هایی چون انتخاب، طلاق، خیانت و امتیازات یکسان برای هر دو جنس، جای آن ها را گرفت. دختران و نوه های حاصل از آن نسل، هرگز شیوه تفکر دیگری را نشناخته اند. یکی از مخرب ترین اهداف و تأثیرات این دیدگاه «جدید» نسبت به زنان، سبک شمردن ازدواج و مادری، و بیرون آوردن جسمی و روحی زنان از خانه ها به سوی بازار کار بود" (دموس، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

بنابراین، رسانه ملی باید با پرداختن به موضوع های ذیل، برداشت های نادرستی را که امروزه در اذهان برخی دختران جوان درباره نقش مادری و همسری زنان شکل گرفته است، اصلاح کند:

- ۱- معرفی زیبای دیدگاه اسلام درباره هویت زنانه و نقش و جایگاه مادری و همسری؛
- ۲- بیان روایات وارد شده در شأن زنان باردار، از لحظه بسته شدن نطفه تا زایمان؛
- ۳- تبیین نقش فرزندان صالح در سعادت اخروی پدران و مادران؛
- ۴- تبیین و توضیح مفاهیم رفاه، آسایش و سعادت در دو نگاه مادی و دینی؛
- ۵- نقد و بررسی دیدگاه های فمینیستی در زمینه نقش مادری و همسری؛
- ۶- بررسی آثار و پیامدهای رواج این دیدگاه ها در مغرب زمین.

### ز) الگوسازی از خانواده های موفق پرجمعیت

یکی از اقدام های رسانه ملی در سال های حاکمیت سیاست تحدید موالید، نشان دادن تصویری نامطلوب از خانواده های پرجمعیت بود. در برخی سریال هایی که در آن، رفتار زنان در قالب طنز به نمایش درمی آمد، نشان داده می شد که تعدد فرزندان چه گرفتاری ها و مشکلاتی برای پدر و مادرشان پدید می آورد. در حال حاضر رسانه ملی باید با اصلاح این رویکرد، به شناسایی و معرفی خانواده هایی بپردازد که با وجود داشتن فرزندان متعدد، به خوبی از عهده تعلیم و تربیت آن ها برآمده و نسل شایسته ای را تحویل جامعه داده اند. این الگوسازی صرفاً در قالب برنامه های مستند قابل ارائه نیست، بلکه از قالب برنامه های نمایشی نیز می توان استفاده کرد.

### ح) اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود

در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت جریان های فمینیستی در مغرب زمین و به موازات آن، تولید انبوه فیلم ها و سریال ها، انتشار گسترده مجلات مد و زیبایی، و گسترش تبلیغات بازرگانی رسانه ها، الگوی تازه ای از زیبایی و جذابیت، ابتدا در کشورهای غربی و به تدریج در سراسر جهان مطرح شده است که نماد بارز آن عروسک «باربی» است. هوارد لاونین (Howard Lavihne)، استاد دانشگاه ایالتی نیویورک، و استفان اچ. واگنر (Stephan H. Wagner)، استاد دانشگاه ایلینویس امریکا، در پژوهشی که در زمینه تأثیر تبلیغات تلویزیونی بر گرایش ها و رفتارهای زنان غربی انجام داده اند، در این زمینه می نویسند: "ویژگی های قراردادی زیبایی زنان در فرهنگ غربی، در طول تاریخ با تغییرات زیادی مواجه بوده است؛ مثلاً اگرچه جذابیت های زنانه در دوره ای با داشتن اندام هایی چاق سنجیده می شد، اما ایده آل های کنونی فرهنگ ما، هم اینک زنانه با اندامی باریک و ترکه ای را می پسندد. محققان برای این فرضیه خود، به تصاویر نشریات عامه پسند امریکایی دو قرن اخیر، مسابقات سالانه انتخاب ملکه زیبایی و مدل های به کار گرفته شده در تبلیغات تجاری اشاره می کنند که در این دوره روزبه روز لاغرتر شده اند. در عین حال، در این سال ها، با محبوب تر شدن ایده ترکه ای

و لاغر بودن، نارضایتی زنان از اندام هایشان و بی نظمی آنان در برنامه صرف غذا، با روندی افزایشی روبه‌رو شده است" (لاوین و واگنر ۱۳۸۷).

تبلیغات گسترده برای معرفی زنان ترکه ای و لاغراندام به عنوان الگوهای زیبایی و جذابیت، در شرایطی صورت می‌گیرد که بسیاری از کارشناسان، دست یافتن به این الگوها را برای بسیاری زنان غیرممکن می‌دانند. روبین برگر، نویسنده امریکایی، در این باره می‌نویسد: "شاید آزردهنده ترین حقیقت این باشد که تصاویر زنان زیبا در رسانه، برای همه زنان به جز شمار بسیار اندکی از ایشان دست‌نیافتنی است" (برگر، ۱۳۹۰). بر اساس این الگوی تازه، بسیاری از زنان و دختران در پی این برآمده اند که به هر قیمت، اندامی کشیده و استخوانی به سبک عروسک باری داشته باشند و خود را به مدل های مد و زیبایی که رسانه های غربی تبلیغ می‌کنند، نزدیک‌تر کنند.

با ایجاد این نگرش جدید درباره بدن و زیبایی در دختران، یکی از موضوع‌هایی که مغایر با فرهنگ باری شدن تلقی شد، بارداری و بچه دار شدن بود. متأسفانه این نگرش با گسترش شبکه های ماهواره‌ای، به تدریج در کشور ما نیز رواج یافت و موجب شد برخی زنان از بیم از دست دادن تناسب اندام، از بچه‌دار شدن یا شیردادن نوزادان خود خودداری کنند.

از این رو رسانه ملی باید با تولید برنامه های متنوع و اثرگذار، برای اصلاح نگرشی که در میان برخی زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود پدید آمده است، اقدام کند. برخی اقدام‌هایی که رسانه ملی در این زمینه می‌تواند انجام دهد، به شرح زیر است:

- ۱- نقد و بررسی الگوهای غربی مد، زیبایی و جذابیت؛ و روشن کردن اهداف پنهان و آشکار این الگوپردازی‌ها برای زنان و دختران ایرانی؛
- ۲- معرفی برخی هنرپیشگان مطرح سینمای هالیوود که با وجود داشتن زیبایی ظاهری، از بچه‌دار شدن نیز غافل نشده‌اند؛
- ۳- ترویج ورزش‌ها و نرمش‌هایی که می‌تواند به زنان، در حفظ زیبایی اندام خود پس از زایمان کمک کند.

### **ط) افشای طرح‌های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان**

سال‌هاست سران «مجامع مخفی» جهانی، مانند مؤسسه سلطنتی امور بین الملل، شورای روابط خارجی، جامعه بیلدر برگرها، کمیسیون سه جانبه، فراماسونری، باشگاه رم و کمیته ۳۰۰، با طرح‌ها و برنامه های گوناگون زمینه نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملل جهان را فراهم آورده، سرنوشت ملت‌ها و کشورهای مستقل جهان را به میل و اراده خود تغییر می‌دهند. یکی از مصادیق آشکار مداخله مجامع

مخفی در سرنوشت ملت‌های دیگر موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجامع با هدف گسترش سلطه خود بر جهان، از سال‌ها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده‌اند. جان کولمن (John Colman)، نویسنده و پژوهشگر مجامع که پیش‌تر از جاسوسان حرفه‌ای سرویس‌های مخفی بریتانیا بوده است، هنگام برشمردن هدف‌های گروه‌های پنهان می‌نویسد آن‌ها بر این باورند که برای تحقق «مسئولیت آسمانی» که بر عهده آنان گذارده شده است، باید «از راه ایجاد جنگ‌های محدود و موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، موجبات مرگ حدود سه میلیارد انسانی را که اصطلاحاً «مصرف‌کنندگان بی‌مصرف» نامیده‌اند، فراهم شود. تا سال ۲۰۵۰ جمعیت ایالات متحده باید در حد یکصد میلیون نفر کاهش یابد (کولمن، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

سرواندو گونزالز، (Servando Gonzalez)، نویسنده کوبایی-آمریکایی، نشانه‌شناس و تحلیل‌گر اطلاعاتی، در مقاله‌ای به بررسی تلاش «باشگاه میلیونرها»ی آمریکایی برای کاهش جمعیت جهان می‌پردازد و می‌نویسد: "در پنجم می ۲۰۰۹، تعدادی از بدنام‌ترین اعضای «باشگاه میلیونرها» - دیوید راکفلر، بیل گیتس، تد ترنر، اپرا وینفری، وارن بافت، جرج سوروس، الی براود، پیتر جی. پترسون، پتی استونس فایر، جان مورگریده، مایکل بلومبرگ و تعدادی از میلیونرهای دیگر - مخفیانه در اقامتگاه سر پل نرس، رئیس دانشگاه راکفلر را در منتهن ملاقات کردند. یک روزنامه بزرگ انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در این جلسه شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه «بر سر این نکته اجماع شد که آن‌ها باید به راهبردی روی آورند که در آن، از رشد جمعیت به عنوان یک تهدید زیست‌محیطی، اجتماعی و صنعتی بالقوه فاجعه‌بار جلوگیری شود». گیتس در این کنفرانس گفته است: «پیش‌بینی‌های رسمی نشان می‌دهند که جمعیت جهان به ۹/۳ میلیارد نفر خواهد رسید (به نسبت ۶/۶ میلیارد فعلی)، ولی با ابتکارهای خیریه، نظیر مراقبت‌های بهداشتی باروری بهتر، فکر می‌کنیم که بتوانیم این میزان رشد را به ۸/۳ میلیارد نفر کاهش دهیم». یعنی گیتس در حال برنامه‌ریزی برای مشارکت کردن در قتل بیشتر از یک میلیارد انسان است (گونزالز، ۱۳۹۰).

مایکل اسنایدر پژوهشگر و تحلیل‌گر مسائل سیاسی نیز درباره تصمیم‌نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت جهان می‌نویسد: "از نظر من و شما، شاید خلاص شدن از ۹۰ درصد جمعیت جهان کاری جنون‌آمیز باشد، اما هرچه می‌گذرد، این اجماع در بین نخبگان جهانی بیشتر می‌شود که رسیدن به چنین هدفی به نفع سیاره زمین است" (اسنایدر، ۱۳۹۰).

تد ترنر (Ted Turner)، مؤسس سی.ان.ان نیز می‌گوید: "جمعیتی ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون نفری، یعنی کاهشی ۹۵ درصدی از میزان فعلی، جمعیتی آرمانی است".

همچنین، دیوید فورمن (David foreman)، یکی از مؤسسان ارث فرست، می‌گوید که کاهش جمعیت جهان به صد میلیون نفر، یکی از سه هدف عمده اوست. "سومین هدف اصلی من، کاهش دادن جمعیت جهان

به حدود صد میلیون نفر، نابود کردن زیرساخت‌های صنعتی و توجه به حیات وحش با تمام گونه‌های حیات آن خواهد بود".

میخائیل گورباچف نیز فکر می‌کند کاهش ۹۰ درصدی جمعیت جهان، فکری کاملاً درست است. "ما باید به روشنی درباره مسائل جنسی، جلوگیری از بارداری، سقط جنین و درباره ارزش‌های کنترل جمعیت سخن بگوییم؛ چرا که بحران زیست‌محیطی در کوتاه‌مدت، بحران جمعیت است. اگر جمعیت جهان را تا ۹۰ درصد کاهش دهید، دیگر تعداد زیادی انسان باقی نخواهد ماند تا آسیب‌های زیست‌محیطی جدی به زمین وارد آورد".

در نشست سال ۲۰۱۱ بیلدربرگ که از ۹ تا ۱۲ ژوئن (۱۹ تا ۲۲ خرداد ۱۳۹۰)، با حضور آندرس فوگ راسموسن دبیرکل ناتو، خواکین آلمونیا معاون رئیس کمیسیون اروپا، خاویر سولانا مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان کلود تریشه رئیس بانک مرکزی اروپا، رابرت زولیک رئیس گروه بانک جهانی، هنری کیسینجر تئوریسین و رئیس شرکت‌های مختلف و مشاور سابق امنیت ملی امریکا، بیل گیتس رئیس سابق مایکروسافت، رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا، دیوید راکفلر رئیس سابق بانک منهن، میچلت وایت مدیر مسئول هفته نامه اکونومیست، آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان، جورما اولیلا رئیس شرکت نفتی رویال داچ شل، جرج دیوید رئیس شرکت کاکولا، ملکه هلند، هاگان ولیعهد نروژ، پیتر براک لتما رئیس شرکت نستله، سوفیا ملکه اسپانیا، خوزه لوییز زاپاترو نخست وزیر اسپانیا و ... در «سنت موریس» سوئیس برگزار شد، بر موضوع افزایش جنگ و کشتار به ویژه در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش جمعیت رو به افزایش جهان تأکید شد (Bilderbeg 2011. com).

با توجه به موارد فوق ضروری است رسانه ملی موضوع‌های ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

- ۱- تبیین و تشریح طرح‌ها و برنامه‌های مجامع مخفی وابسته به نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان؛
- ۲- بررسی راهکارهای رسانه‌ای مقابله با طرح‌ها و برنامه‌های یادشده؛
- ۳- بررسی و تبیین نقش ملت ایران در خنثی‌سازی طرح‌ها و برنامه‌های مجامع مخفی جهانی.

### ی) ایجاد حساسیت درباره بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از کاهش جمعیت

نتایج پیش‌بینی‌های سال ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد درباره تحولات باروری نشان می‌دهد که بر اساس هر سه سناریو (پایین، متوسط و بالا) تا سال ۱۴۲۰ سطح باروری ایران به سطح جانشینی افزایش نخواهد یافت. بر اساس همین پیش‌بینی، در صورت ادامه روند کنونی کاهش باروری بر اساس سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص‌سالم‌خوردگی ۳۸/۵ درصد، در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱

میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۵ درصد، و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۴ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط، جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۶/۹ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۴/۷ درصد کاهش خواهد یافت. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱). در صورت تحقق پیش بینی ها، کشور ما با مسائل و چالش های گوناگونی روبه رو خواهد شد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

#### ۱- چالش های جمعیتی

بحران میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیروی در سن کار، بحران سالمندی جمعیت و افزایش مهاجرت های بین المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی، از مهم ترین مصادیق چالش های جمعیتی به شمار می آیند.

#### ۲- چالش های فرهنگی - اجتماعی

مهم ترین چالش های فرهنگی - اجتماعی ناشی از کاهش ناگهانی رشد جمعیت عبارتند از: بحران ساختاری خانواده، شکاف های نسلی بر اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل ها، و کاهش چترهای حمایتی خانواده از سالمندان، و کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی.

#### ۳- چالش های اقتصادی

از نگاه جمعیت‌شناختی، جمعیت در حال رشد و جوان، احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد و به همین دلیل در جامعه در حال رشد، تقاضا برای امکانات مسکن، املاک و مستغلات افزایش می یابد، ولی با کاهش سطح باروری و کم شدن جمعیت، جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش خواهد یافت و این موضوع زمینه ساز ایجاد بحران اقتصادی در جامعه خواهد بود (دارابی و دیگران، ۱۳۹۰).

#### ۴- چالش های سیاسی - امنیتی

کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی های نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطرناک است (همان). از این رسانه ملی باید در سیاست گذاری های خود در زمینه فرهنگ سازی برای افزایش جمعیت، به موضوع های ذیل توجه جدی کند:

۱- بررسی دقیق و کارشناسی بحران ها، آسیب ها و چالش های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت؛

۲- تبیین درست و مناسب آثار و پیامدهای این بحران ها برای مردم.

## سیاست های رسانه ملی

برای تحقق کامل راهبردهای یادشده، رسانه ملی باید سیاست‌های ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

### الف) اقناع مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی درباره سیاست جدید جمعیتی:

بی تردید، مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی، آنگاه می‌توانند نقش خود را در زمینه فرهنگ سازی برای تحقق سیاست جمعیتی نظام اسلامی به‌خوبی ایفا کنند که خود درباره این سیاست جدید متقاعد شده و درباره آن به شناخت و باور قلبی رسیده باشند؛ زیرا در غیر این صورت برنامه‌های تولیدی صرفاً جنبه سفارشی و دستوری خواهد داشت و اثر چندانی بر مخاطب نخواهد گذاشت. بنابراین، سازمان صدا و سیما در نخستین گام به سوی فرهنگ سازی برای افزایش جمعیت، باید با برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی و تخصصی، مدیران گروه‌های برنامه‌ساز، تهیه‌کنندگان، کارگردانان و پژوهشگران و نویسندگان خود را در این زمینه توجیه کند و به پرسش‌ها و ابهام‌های آن‌ها در این زمینه پاسخ دهد.

### ب) بهره‌گیری از رویکرد القای غیرمستقیم پیام:

با توجه به مشکلات گوناگونی که در حال حاضر در زمینه اشتغال، ازدواج، مسکن، تأمین هزینه‌های زندگی و... در جامعه ما وجود دارد، بهره‌گیری از پیام‌های مستقیم در زمینه ضرورت افزایش جمعیت، اثر مثبت چندانی ندارد و چه بسا موجب عکس‌العمل‌های منفی شود. از این‌رو در تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی کشور، باید از روش القای غیرمستقیم پیام استفاده کرد؛ پیام‌هایی که بیشتر ناظر به آثار و پیامدهای منفی کم شدن زاد و ولد برای خانواده و اجتماع است.

برخی موضوع‌هایی که در این زمینه به شرح ذیل است:

- ۱- آثار و پیامدهای نامطلوب پیرشدن جمعیت؛
- ۲- ضرورت وجود ارتباط‌های خویشاوندی (عمو، عمه، دایی، خاله) برای رشد عاطفی فرزندان؛
- ۳- جایگاه و نقش تعدد فرزندان در جامعه پذیری و توانمند شدن آن‌ها برای مقابله با مسائل و مشکلات؛
- ۴- آثار و پیامدهای تنها شدن پدر و مادرها در سنین پیری؛
- ۵- آثار و برکات دنیوی و اخروی تربیت فرزندان صالح؛
- ۶- نقش فرزندان در افزایش نشاط و سرزندگی خانواده‌ها؛
- ۷- نقش زایمان و فرزندآوری، در سلامت جسمی و روحی بانوان؛
- ۸- بررسی مسائل و مشکلات خانوادگی و اجتماعی جوامع غربی که دچار کاهش یا رشد منفی جمعیت شده‌اند.

### ج) زمینه‌سازی برای ایجاد وفاق اجتماعی در زمینه ضرورت افزایش زادوولد:

در حال حاضر، در میان کارشناسان و در میان مردم عادی، در زمینه ضرورت افزایش زادوولد اتفاق نظر وجود ندارد؛ بنابراین نمی توان صرفاً با بهره‌گیری از اهرم رهنمودهای مقام معظم رهبری به تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی پرداخت، بلکه باید با ایجاد فضای بحث و گفتوگوهای کارشناسانه و بررسی جوانب گوناگون موضوع، زمینه را برای ایجاد وفاق اجتماعی در این زمینه فراهم کرد. رسانه ملی باید با پرهیز از برخورد احساسی و شعاری با موضوع، برای ایجاد فضای آزاد بحث و گفت و گوی پژوهشگران و کارشناسان حوزه های جامعه شناسی، روان شناسی، علوم تربیتی، حقوق، اقتصاد و سیاست، درباره آثار مثبت و منفی افزایش جمعیت، از همه ظرفیت های خود استفاده کند و با مدیریت مناسب این بحث و گفت و گوها، قشرهای گوناگون جامعه به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل کرده را به برداشتی مشترک در این باره برساند. برخی از اقدامهایی که رسانه ملی در این زمینه می تواند انجام دهد، به شرح ذیل است:

- ۱- برگزاری نشست های کارشناسی در زمینه نقد و بررسی سیاست جمعیتی نظام اسلامی؛
- ۲- برگزاری نشست های کارشناسی در زمینه دلایل و بسترهای رهنمود رهبری در زمینه ضرورت تغییر سیاست جمعیتی؛
- ۳- برگزاری نشست های کارشناسی درباره آثار مثبت و منفی افزایش جمعیت؛
- ۴- برگزاری نشست های کارشناسی درباره آسیب ها و موانع موجود در زمینه بهره برداری از ظرفیت جمعیت جوان کشور برای رشد و توسعه و بالندگی نظام اسلامی.

#### **(د) اصلاح رویکرد رسانه در بازنمایی خانواده:**

- در سال های اخیر، چند رویداد مهم در عرصه بازنمایی خانواده در رسانه رخ داده است :
- ۱- کوچک شدن بعد خانواده: در بیشتر برنامه های نمایشی، خانواده هایی به تصویر کشیده می شوند که یا فرزندی ندارند، یا حداکثر یک یا دو فرزند دارند؛
  - ۲- حذف کودک از موضوع داستان ها و برنامه های نمایشی: در حال حاضر، کمتر برنامه نمایشی وجود دارد که در آن، گره و تعلیق داستان بر محور کودک باشد؛
  - ۳- حذف درگیری و اختلاف بچه ها از برنامه های نمایشی: در پی کوچک شدن بعد خانواده ها در برنامه های نمایشی، موضوع اختلاف ها و درگیری های بچه ها در کانون خانواده که نقش مهمی در جامعه پذیر شدن کودکان دارد، از برنامه های نمایشی حذف شد؛
  - ۴- کاهش تعداد یا حذف کلی بستگان نسبی از فضای برنامه های نمایشی، در بیشتر فیلم ها و سریال هایی که در سال های اخیر در رسانه ملی پخش شده است، یا به طور کلی از بستگان نسبی، اعم از عمو، عمه، دایی و خاله خبری نیست، یا حداکثر به نمایش یک یا دو نفر از این بستگان بسنده شده است.



در مجموع، رسانه ملی با این بازنمایی از خانواده، اولاً خانواده بدون فرزند یا حداکثر با یک یا دو فرزند را تبدیل به هنجاری پذیرفته‌شده کرده است ثانیاً، احساس نیاز به داشتن بستگان نسبی را از بین برده و مردم را متقاعد کرده است که نداشتن عمو، عمه، دایی و خاله هیچ مشکلی برای افراد جامعه ایجاد نمی‌کند؛ درحالی‌که امروزه ضرورت‌ها و کارکردهای بسیار مهم خویشاوندان برای رشد روحی و عاطفی فرزندان یک خانواده، امروزه کاملاً به اثبات رسیده است. بنابراین، رسانه ملی در راستای اصلاح سیاست‌های جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، باید در بازنمایی‌های خود از خانواده تجدیدنظر کند. افزون بر اصلاح اشتباه‌های گذشته، در برنامه‌های خود به این سیاست‌ها توجه کند :

۱- روایت داستان‌های شیرین و جذاب از زندگی خانواده‌های پرجمعیت؛

۲- نشان دادن بچه‌ها به شکل عامل شادی و نشاط فضای خانه‌ها؛

۳- به تصویر کشیدن نقش مهم بستگان نسبی در رشد روحی و عاطفی فرزندان .

#### **ه) توجه دقیق به سازوکارهای «فرهنگ‌سازی»:**

هر چند بحث از «فرهنگ‌سازی» بسیار شنیده می‌شود و مسئولان و کارشناسان برای حل مسائل و مشکلات گوناگونی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بر ضرورت «فرهنگ‌سازی» تأکید می‌کنند، اما هنوز سازوکارهای فرهنگ‌سازی و لوازم و بایسته‌های آن شناخته نشده است. بنابراین، رسانه ملی ضمن توجه به ضرورت فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت، باید به ساز و کارها و لوازم فرهنگ‌سازی به طور دقیق توجه کند و با بهره‌گیری از کارشناسان مختلف، به ویژه روان‌شناسان اجتماعی شیوه‌ها و روش‌های درست فرهنگ‌سازی را در برنامه‌های اصلاح سیاست جمعیتی به کار گیرد.

#### **و) پرهیز از بهره‌گیری مستقیم از روحانیت، برای تغییر سیاست جمعیتی:**

مبلغان مذهبی، به ویژه در سال‌های آغاز اجرای سیاست تحدید موالید، نقش مهمی در تبلیغ و ترویج این سیاست، به ویژه در روستاها و مناطق دورافتاده کشور داشتند. در پی ارائه دیدگاه‌های کارشناسان و مسئولان کشور در زمینه ضرورت کنترل جمعیت و تحلیل‌هایی که آن‌ها در زمینه پیامدهای ناگوار رشد جمعیت در سال‌های آینده ارائه می‌دادند، روحانیان و نهادهای مذهبی، با احساس تکلیف و مسئولیت در برابر نظام اسلامی، به فرهنگ‌سازی در زمینه تحدید موالید با بهره‌گیری از متون دینی پرداختند و به تدریج این باور را در مردم ایجاد کردند که کنترل جمعیت و استفاده از انواع وسایل پیشگیری از حاملگی، با آموزه‌های دینی هیچ ناهماهنگی ندارد (علی‌ئی، ۱۳۸۴؛ طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۸۶-۱۴۸).

اما در حال حاضر که سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی با توجه به مصالح موجود، تغییر کرده است، شایسته نیست که بار دیگر از روحانیان و نهادهای مذهبی برای تبلیغ و ترویج مستقیم سیاست افزایش جمعیت

استفاده شود؛ زیرا این کار موجب خدشه دار شدن جایگاه و شأن روحانیان و نهادهای مذهبی و حتی آموزه های دینی در نزد مردم می شود و اعتماد آن ها به علمای دینی و مبلغان مذهبی را از بین می برد. بنابراین، بهره گیری از آموزه های دینی و مبلغان مذهبی برای نهادینه ساختن سیاست افزایش جمعیت، صرفاً باید به حوزه القای غیرمستقیم پیام و پرداختن به مباحثی چون ضرورت و اهمیت ازدواج، تشکیل خانواده، صلح رحم، پیوندهای خویشاوندی و همچنین آثار و برکات دنیوی و اخروی فرزندان صالح برای پدر و مادرها محدود شود. (ر. ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۷۴-۱۹۱).

### ز) زمینه سازی برای اصلاح طرح ها و برنامه های ناظر به تحدید موالید:

در سال های حاکمیت سیاست تحدید موالید، طرح ها و برنامه های گوناگونی برای کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت و باروری عمومی زنان اجرا شد که برخی از آن ها اثرگذاری مستقیم و کوتاه مدت، و برخی دیگر اثرگذاری غیرمستقیم و بلندمدت داشتند. طرح ها و برنامه هایی چون «لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور» (قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۶۸). یاغیر قابل محاسبه و اعمال تلقی شدن «کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش بینی و وضع شده اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد» (قانون تنظیم خانواده و جمعیت، ۱۳۷۲) یا «ترویج انواع روش های پیشگیری از بارداری» و «عرضه رایگان وسائل پیشگیری از بارداری در مراکز بهداشتی»، دارای اثر مستقیم و کوتاه مدت بودند و طرح ها و برنامه هایی مانند «بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم التعلیم» (قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۶۸) و «اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه های مشارکت زنان در امور اقتصادی اجتماعی جامعه و خانواده» (همان) اثر مستقیم و بلندمدت داشتند.

بی تردید، تغییر و اصلاح طرح ها و برنامه های دارای اثر مستقیم، چندان دشوار نیست و می توان با اصلاح برخی قوانین و آئین نامه ها در کوتاه مدت به آن دست یافت؛ ولی اصلاح و دگرگون کردن طرح ها و برنامه های بلندمدت دارای اثر غیرمستقیم، به راحتی امکان پذیر نیست؛ زیرا آن ها در طول بیش از دو دهه موجب تغییر گسترده در مناسبات فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه ما شده و سبک زندگی ویژه ای را در میان اقشار گوناگون جامعه، به ویژه زنان رواج داده اند و به همین دلیل تغییر آن ها نیازمند کار فرهنگی گسترده و طولانی مدت است.

بنابراین، رسانه ملی باید با برنامه ریزی دقیق و حساب شده، زمینه را برای اصلاح برخی تغییرهایی که در سال های اخیر و در پی اجرای طرح ها و برنامه های تحدید موالید، به ویژه در سبک زندگی زنان جامعه ما پدید آمده است، آماده کند؛ تغییرهایی چون گرایش گسترده دختران به تحصیلات دانشگاهی بدون توجه به ویژگی های جنسیتی و نیازهای جامعه، ارزش تلقی شدن اشتغال بانوان و بی توجهی به نقش مهم و اثرگذار مادری و همسری آنان.

از این ملی، این سیاست ها را در برنامه های خود در پیش گیرد :

- ۱- الگوسازی در زمینه شغل های مناسب بانوان، با توجه به ویژگی های روحی و توانمندی های جسمی آنان؛
- ۲- اصلاح بینش و نگرش دختران درباره آموزش عالی و تبیین ضرورت تناسب رشته ها و گرایش های آموزش عالی با ویژگی ها و نقش های خانوادگی و اجتماعی زنان؛
- ۳- فرهنگ سازی در زمینه اهمیت و ارزش نقش همسری و مادری و کار خانگی زنان، در مقایسه با مشاغل اجتماعی و کارهای اقتصادی؛
- ۴- الگوسازی از زندگی بانوان موفق که در عین همسررداری، به تحصیل خود هم ادامه داده اند؛
- ۵- تبیین مفهوم حضور و مشارکت اجتماعی زنان و تفاوت این مفهوم با اشتغال و درآمدزایی.

### ح) تعدیل سطح توقع و انتظار مردم از زندگی

بسیاری از خانواده ها، مسائل و مشکلات اقتصادی و هزینه بالای تأمین مخارج خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش، تفریح و سرگرمی کودکان را عامل بچه دار نشدن خود اعلام می کنند و معتقدند همسران تا به وضعیت اقتصادی مطلوب نرسند، نباید به فرزندآوری اقدام کنند. این مطلب، شاید تا حدی و درباره بخشی از خانواده ها درست باشد؛ ولی در درستی کلیت آن به چند دلیل تردید جدی وجود دارد :

- ۱- وضع اقتصادی مطلوبی که بسیاری از خانواده ها در پی آن هستند، بر اساس حداقل انتظارها از زندگی تعریف نشده است و عموم مردم به دلیل رواج فرهنگ تجمل و رفاه طلبی و بالا رفتن سطح توقع از زندگی، وضع اقتصادی مطلوب را مترادف با فراهم شدن همه امکانات، شامل درآمد بالا، خانه ملکی، خودرو، لوازم زندگی کامل و... می دانند؛
- ۲- تعداد قابل توجهی از همسران جوان، با وجود داشتن وضع نسبتاً مطلوب اقتصادی و دارا بودن شغل، درآمد، مسکن و خودروی مناسب، همچنان از زیر بار فرزنددار شدن شانه خالی، و همواره آن را به فرصتی دیگر که وضع بهتر شود، موکول می کنند. این موضوع، نشان می دهد که در جامعه ما، بیش و پیش از آنکه واقعیت وضع اقتصادی خانواده ها مانع فرزنددار شدن باشد، تصور آن ها از وضع اقتصادی مطلوب، مانع این موضوع است.

بنابراین، رسانه ملی باید با در پیش گرفتن سیاست های ذیل و با بهره گیری مناسب از ابزار برنامه های نمایشی، به تدریج سطح توقع و انتظار مردم از زندگی را متعادل کند:

- ۱- پرهیز از نشان دادن فیلم ها و سریال هایی که به تجمل گرایی در جامعه دامن می زنند؛
- ۲- نشان دادن سریال هایی که داستان آن ها در فضاهایی ساده و بدون تجمل، ولی سرشار از امید و نشاط رخ می دهد.

ط) زمینه سازی برای تحقق مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی:

شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲، شش راهبرد ملی در زمینه جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور پیش بینی کرده است که بندهای ۱ و ۳ به طور مستقیم به سازمان صدا و سیما ارتباط دارد و این سازمان باید همه توان خود را در راه تحقق آن ها به کار گیرد؛ ولی این بدان معنا نیست که رسانه ملی هیچ وظیفه ای در زمینه تحقق سایر بندهای راهبرد یادشده به عهده ندارد. بی تردید، رسانه ملی می تواند با نظارت بر عملکرد دستگاه های مختلف سیاست گذار و اجرایی، بازتاب فعالیت آن ها و همچنین مطالبه مستمر از مسئولان کشور، زمینه ساز تحقق هرچه بیشتر راهبردهای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی شود.

### ی) پرهیز از هرگونه شتابزدگی و سطحی نگری:

یکی از شروط مهم موفقیت رسانه ملی در ایفای رسالت و مسئولیتی که در زمینه تغییر جمعیتی نظام جمهوری برعهده دارد، اقدام همراه با تدبیر، دوراندیشی و میانه روی و پرهیز از هرگونه شتابزدگی، سطحی نگری و روش های تبلیغی رسانه ای مبتنی بر تکرار و تهاجم است. موضوع افزایش جمعیت، کاملاً به موضوع تغییر سبک زندگی مردم وابسته است. به همین دلیل، برای تحقق آن ابتدا باید به اقناع اقشار گوناگون جامعه به ویژه نخبگان، فرهیختگان و اقشار تحصیل کرده پرداخت. از این رو، هرگونه شتابزدگی، سطحی نگری و اقدام های صرفاً شعاری، رسانه ملی را از ایفای رسالت و مسئولیت واقعی خود ناکام گذاشته و پیام های رسانه را خنثی می کند.

بنابراین، رسانه ملی باید با برنامه ای دقیق و حساب شده و با شیبهی منطقی و ملایم موضوع ضرورت افزایش جمعیت را در دستور کار خود قرار دهد و تلاش می کند تا به تدریج اقشار گوناگون جامعه را با سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی همراه و هم آوا سازد.

### نتیجه گیری

کاهش شدید و نگران کننده روند رشد جمعیت کشور در سال های اخیر، بیش از آنکه ناشی از برخی سیاست ها و اقدام های اجرایی دستگاه های دولتی باشد، ناشی از تحولات ساختاری گسترده جامعه ایران، تغییر سبک زندگی مردم و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف گرایانه بر جامعه ما بوده است. البته که برخی سیاست های غیرمستقیم جمعیتی که در دو دهه گذشته با هدف کاهش سطح باروری زنان در کشور در پیش گرفته شد؛ مانند «افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم التعلیم» و «افزایش زمینه های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه» در تغییر سبک زندگی در ایران و شکل گرفتن کاهش باروری بی تاثیر نبوده است به همین دلیل، برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی و افزایش روند رشد جمعیت

کشور، به جای دل بستن به برخی اقدام های مقطعی، سطحی و کم تأثیر همچون دادن سکه یا افزایش مدت مرخصی زایمان باید در پی اصلاح تدریجی سبک زندگی مردم و تغییر گفتمان شکل گرفته در جامعه بود.

بی تردید، برای محقق شدن این امر، باید از همه ظرفیت ها و توانمندی های سازمان ها و نهادهای فرهنگ ساز جامعه استفاده کرد. در این میان، رسانه ملی به دلیل نقش مهم و بی بدیلی که در مدیریت و هدایت فرهنگ و افکار عمومی جامعه دارد و به دلیل گستردگی دامنه نفوذ و تأثیرگذاری آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. رسانه ملی برای ایفای شایسته وظیفه و مسئولیت خود در موضوع، باید پیام های خود را به گونه ای مهندسی کند که بتواند در سه سطح شناختی (اعتقادی)، عاطفی (هیجانی) و رفتاری بر مخاطبان خود اثر بگذارد و آن ها را با سیاست جدید جمعیتی نظام اسلامی همراه و هم آوا سازد. مهم ترین راهبردهایی که رسانه ملی در این زمینه باید در پیش گیرد، عبارتند از:

- ۱- گفتمان سازی در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد؛
- ۲- ایجاد زمینه های لازم برای تحکیم خانواده ها؛
- ۳- زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج؛
- ۴- اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری؛
- ۵- ترویج فرهنگ اعتماد و خوش بینی به خداوند؛
- ۶- اصلاح برداشت های نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان؛
- ۷- الگوسازی از خانواده های موفق پرجمعیت؛
- ۸- اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود؛
- ۹- افشای طرح های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان؛
- ۱۰- افشای طرح های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان؛

امید است رسانه ملی بتواند با در پیش گرفتن راهبرد ها و سیاست ها، رسالت و مسئولیت سنگین خود در زمینه تغییر گفتمان ویژه ای که در دو دهه گذشته در جامعه ما، درباره زاد و ولد شکل گرفته است، اصلاح و زمینه های فرهنگی لازم را برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام اسلامی فراهم کند.

## فصل چهارم: پیامدهای مثبت افزایش نرخ زاد و ولد در ایران

"من این را همین جا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و با نشاط و تحصیلکرده و باسواد کشور، امروز یکی از عاملهای مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهائی که داده می شود، نقش جوان های تحصیل کرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می بینید."

(بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در خصوص جمعیت مورخه ۱۳۹۱/۰۵/۰۳)

**نظریه افزایش جمعیت:** حامیان افزایش جمعیت یا "ناتالیستها" معتقدند: افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری ایجاد نمی کند، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی کشور نقش مهمی ایفا می نماید. برخی از اقتصاددانان، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی فنون تولیدی و در نتیجه، رشد و پیشرفت اقتصادی می دانند (کلانتری و صادقی ده چمشه، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

### الف) پیامدهای اقتصادی و فناورانه

- نتایج مطالعه حیدری و همکاران (۱۳۹۱) نشان می دهد که رشد درصد جمعیت ۱۵ - ۶۴ سال یا همان جمعیت فعال جامعه که به گونه ای در تولید ناخالص داخلی مشارکت دارند با ضریب ۳۷/۳۳ به طور مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی بلند مدت اثرگذار است؛ به طوری که با رشد یک درصدی در میزان جمعیت فعال کشور، متغیر (IGPD) و در واقع لگاریتم تولید ناخالص داخلی کل (شاخص رشد اقتصادی مفروض در پژوهش موردنظر) به میزان ۳۷/۳۳ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین رشد درصد جمعیت فعال کشور (۱۵ - ۶۴ سال) در کوتاه مدت نیز تأثیر مثبت و معنادار ۴۱/۰۷ درصدی بر رشد اقتصادی دارد. از این رو، در کوتاه مدت نیز رشد درصد جمعیت فعال به میزان یک درصد، تولید ناخالص داخلی کل را با رشد ۴۱/۰۷ درصدی روبه رو می کند که این موضوع بیان دیگری از رشد اقتصادی کوتاه مدت در نتیجه افزایش این رده سنی از جمعیت است. مبنای نظری تحقیق نیز بیان می کند که در ایران رشد جمعیت پویای کشور (۱۵ - ۶۴ ساله) در مقایسه با جمعیت سالمند بالای ۶۵ سال و زیر ۱۴ سال که بیشتر در حکم مصرف کننده اند و نیاز به حمایت و تأمین نیازهایشان از سوی دیگر افراد جامعه کاملاً محسوس است، بر رشد اقتصادی نقشی مهم و اثرگذار دارند. از نگاه جمعیت شناسی نیز، یک جمعیت در حال رشد و جوان احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد. لذا افزایش تقاضا برای امکانات، مسکن، املاک و مستغلات در این جوامع بیشتر می شود. با افزایش نیازهای متعدد جمعیت در حال رشد، باید مردم بیشتری هم به کار

گرفته شوند تا کالاها، خدمات و نیازهای جمعیتی را تدارک ببینند. از طرف دیگر باید کارگران بیشتری وارد چرخه کار، در بخش های صنعتی، خدمات و کشاورزی شوند. همچنین به کارخانه ها و کارخانه های بیشتری نیاز است تا نیروی کار که وارد بازار کار می شود به کار گرفته شوند. بدین منظور می توان این نتیجه گیری مهم را بیان کرد که سیاست مقابله با تحدید جمعیت در ایران می تواند گامی مؤثر در جهت رشد اقتصادی بلندمدت کشور باشد.

• زمانی که جمعیت بزرگ تر است، درآمدهای سرانه و رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد. جمعیت از سه کانال، یعنی افزایش عرضه نیروی کار، پس انداز و سرمایه انسانی، که اثری متقابل بر هم دارند، بر رشد و توسعه اقتصادی اثر می گذارند و باعث ایجاد فرصت های گوناگون برای رشد تولید سرانه می شوند؛ در واقع، تأثیر ساختار سنی بر تولید ناخالص داخلی کل که افزایش نسبت های جمعیت در سنین کار و در نتیجه تعداد تولیدکنندگان به مصرف کنندگان را منجر می شود، افزایش می یابد. همچنین جمعیت بیشتر می تواند با تخصص گرایی بیشتر، موجب افزایش تولید در مقایسه با مصرف شود. جمعیت بزرگ تر با توسعه بازار و کاهش هزینه های همکاری متخصصان، منجر به تقسیم بیشتر نیروی کار و تخصص گرایی بیشتر می شود. این تقسیم کار اصلاح شده، موجب افزایش بهره وری و مؤثرتر شدن سرمایه انسانی افراد می شود. از آنجایی که تراکم بالای جمعیت، برای درجه های بالای تخصص گرایی لازم است، برای عمیق تر شدن مهارت ها و تولید مهارت های بیشتر و انتقال دانش ها ضرورت دارد (Becker & Posner Blog, Dec, 2004). به بیان دیگر، افزایش جمعیت از راه اندازه بازار، به گسترش مهارت ها و فناوری ها منجر می شود. طبق یافته های پژوهش اصفهانی و همکاران (۱۳۹۱)، آثار جمعیت بزرگتر بر رشد اقتصادی را می توان به طور خلاصه، این گونه بیان کرد:

۱. برای اینکه جامعه توان خود را برای کشف ایده های جدید و بهبود در کیفیت کالاها در طول زمان حفظ کند، لازم است که جمعیت به صورت پایدار رشد کند که اقتصاد بتواند به مقدار مورد نیاز، نیروی کار در تولید دانش و فناوری را به کار گمارد.
۲. افزایش جمعیت سبب می شود جامعه، به دلیل داشتن توان بالقوه بیشتر در تولید فناوری و کشف ایده ها، در بازه زمانی کمتری، به آن سطح مورد نیاز از موجودی ایده های جدید برسد که برای رشد اقتصادی شتابان ضرورت دارد. در مدلی که تغییرات درون زای فناوری و نوآوری در شیوه های تولید محرک رشد اقتصادی است، به سبب اهمیت نیروی کار در فرایند مهارت محور شدن تغییرات فناوری، عامل اصلی نیروی کار است.

۳. لازمه داشتن نیروی کار بزرگتر، داشتن جمعیت بزرگتر است، به همین سبب، در واقع در مدل های رشد شومپیتری، یکی از پیش فرض های مورد نیاز برای رشد اقتصادی، که اغلب به طور روشن بیان نمی شود، داشتن جمعیت بزرگتر است.

۴. بزرگتر شدن بازار نیروی کار ماهر، سبب تسریع فرایند مکمل شدن مهارت کارگران با فناوری های جدید می شود.

۵. افزایش عرضه نیروی کار ماهر و مهارت محور شدن تغییرات فناوری، بهره وری فردی نیروی کار را افزایش می دهد.

۶. بزرگ بودن مقیاس اقتصاد، سبب می شود هزینه های تحقیق و توسعه برای بخش های اقتصاد کاهنده شود. این کار موجب افزایش فعالیت های (R&D) و سرریز شدن دانش و فناوری از بخش نوآور به دیگر بخش های اقتصاد می شود. سرریز فناوری، نقشی بسیار مهم در رشد اقتصادی ایفا می کند.

همچنین بر اساس یافته های این پژوهش، افزون بر نتایج مثبت افزایش جمعیت، افزایش در مقیاس نیروی کار ماهر نیز آثار بسیاری بر رشد اقتصادی دارد که دستیابی به بازار بزرگتر نیروی کار ماهر، در گرو کاهش هزینه های آموزش و کسب مهارت برای کارگران است. در این باره، دولت ها با ایجاد زمینه های مناسب برای آموزش بیشتر کارگران و گسترش فعالیت های (R&D)، می توانند فرصت را برای بهره بردن صنعت و بخش های تولیدی، از بازدهی فزاینده ای که یک جمعیت بزرگ ایجاد می کند، فراهم کنند.

- یافته های پژوهش زهرا دهقانی (۱۳۹۱) بیانگر این است که جمعیت و چگالی جمعیت، یکی از متغیرهای اثرگذار بر تغییرات فناوری در مناطق است. جمعیت بیشتر، نوآوران بیشتری دربر دارد؛ همچنین با فرض ثابت بودن اندازه زمین، چگالی جمعیت بالاتری ایجاد می شود و این چگالی جمعیت نیز ارتباطات و مبادله را تسهیل می کند، اندازه بازارها و امکان تخصصی شدن آنها را افزایش می دهد و سبب افزایش تقاضا برای ابداعات می شود. همه این عوامل خلق و انتشار تکنولوژی های جدید را ترغیب می کند؛ بنابراین جمعیت و چگالی جمعیت هر دو توسعه تکنولوژی را تقویت می کنند.

به بیان فلپس «... فکر کنم به سختی بتوان تصور کرد که امروزه چقدر بدبخت بودیم اگر رشد سریع جمعیت در گذشته را که تکنولوژی های بی شمار امروزمان را مدیون آن هستیم وجود نداشت» (دلالی و اسماعیلی، ۱۳۸۶، به نقل از فلپس، ۱۹۶۶).

- برخی از جوامع که سعی در جذب سرمایه گذاری خارجی با مزیت نیروی انسانی ارزان داشته اند، از ازدیاد نسل با هدف ایجاد کارگر ارزان بهره برده اند. کشور هند در سالهای اخیر با این رویکرد،



سیاست مدیریت گسترش جمعیت را در دستور کار قرار داده و به سرعت مرز یک میلیارد نفر جمعیت را پشت سر گذاشته است.

### ب) پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

۱. وجود زمینه مناسب برای انتقال تجربیات زندگی از سوی والدین به فرزندان (کمک به جامعه پذیری فرزندان)
۲. حفظ بنیان خانواده
۳. افزایش سرمایه های اجتماعی با ارزشی همچون ارتباطات فامیلی و شبکه های خویشاوندی
۴. افزایش همکاری متقابل بین اعضای خانواده
۵. مشارکت خانواده ها در تأمین نیازهای اقتصادی و مادی همدیگر
۶. افزایش حمایت های اجتماعی قابل دستیابی برای اعضای خانواده
۷. دورکیم برای تراکم جمعیتی دو اثر مثبت می شمرد: اول آنکه تراکم جمعیتی باعث تقسیم کار دائم و بهتر در طول توسعه اجتماعی می شود. دوم آنکه این تراکم باعث تراکم اخلاقی می گردد.

### ج) پیامدهای سیاسی و امنیتی

۱. افزایش جمعیت به مثابه افزایش جمعیت شیعه و مقابله با توطئه دشمن برای کاهش جمعیت شیعیان
۲. افزایش توان نظامی و قدرت بازدارندگی کشور
۳. افزایش ضریب تأثیرگذاری در جریان قدرت در سطح بین المللی
۴. برخی دیگر از جوامع با هدف استفاده از معضلات جمعیتی کشورهای صنعتی، اقدام به ازدیاد نسل کرده اند. ازدیاد نسل به منظور پر کردن کمبود نیروی انسانی در کشورهای صنعتی، از سیاست های جمعیتی کشورهای نظیر ترکیه به شمار می رود. گسترش جمعیت فلسطینیان در سرزمین های اشغالی و تلاش صهیونیست ها برای تغییر نسبت جمعیتی به نفع خود، از مصادیق چنین رویکردی است.

**نکته نهایی:** انسان ها برای هزاران سال است که به سمت مراکز پرجمعیت شهری در حرکت اند و این مسئله نشان می دهد که آثار مثبت جمعیت از آثار منفی آن بیشتر است (بکر، ۲۰۰۵).

## منابع و مأخذ:

- خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی بررسی چالش‌ها و مسایل انتقال جمعیتی در ایران - شورای عالی امنیت ملی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه - ۱۳۹۰.
- برنامه‌های تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران - حسین ملک افصلی، آمنه ستاره فروزان، معصومه راغبی، فریده جبروتی، سیده صفورا دژپسند، شمسی تیمن، ژاله دولو، مهدی رهگذر، باقر نمازی - نشر نخبگان - ۱۳۸۷.
- ویژگی‌های سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران - اسماعیل نوده فراهانی، عباس مقامی و مهدیه کاظمی تکلیمی - ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹، شهریور ۱۳۹۲ - صص ۲۴ - ۱۱.
- بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی - ابراهیم شفیعی سروستانی - ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹، شهریور ۱۳۹۲ - صص ۴۴ - ۲۵.
- تهدید نسل شیعه؛ تهدید جامعه ایران (علل کاهش جمعیت و پیامدهای آن) - زهرا سوختانلو و اعظم رحمت‌آبادی - ماهنامه علمی ترویجی معرفت - سال بیست و دوم - شماره ۱۸۹ - شهریور ۱۳۹۲ - صص ۵۸ - ۴۵.
- چالش‌های روش‌شناختی و معرفتی در پژوهش‌های موجود جمعیتی - فرزانه شکری و فروغ الصباح شجاع‌نوری - ماهنامه علمی ترویجی معرفت - سال بیست و دوم - شماره ۱۸۹ - شهریور ۱۳۹۲ - صص ۷۱ - ۵۹.
- بررسی عوامل مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکرد چند سطحی - محمد شیرینی، طه نوراللهی و الهام رستمی - ماهنامه علمی ترویجی معرفت - سال بیست و دوم - شماره ۱۸۹ - شهریور ۱۳۹۲ - صص ۹۹ - ۸۹.
- سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت - سید حامد عنوانی - ماهنامه علمی ترویجی معرفت - سال بیست و دوم - شماره ۱۸۹ - شهریور ۱۳۹۲ - صص ۱۱۶ - ۱۰۱.
- ناپایداری اجتماعی در بوم‌شهر ایرانی و آثار جمعیتی آن - مصطفی محمدی ده‌چشمه - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۰ - ۵.
- آینده پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰ - محمود مشفق و قربان حسینی - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۲ - ۲۱.
- تحلیل تأثیر و چگالی جمعیت بر تغییرات فناوری منطقه‌ای در ایران - زهرا دهقان‌شبانی - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۳ - ۶۲.
- تأثیرات تغییرات جمعیت؛ مقیاس اقتصاد و فناوری بر فرایند رشد اقتصادی - رحیم دلالی اصفهانی، مجید مؤیدی و عظیمه سادات حسینی - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۳ - ۸۰.
- ارتباط میان رشد جمعیت و رشد اقتصادی با تأکید بر مخارج دولت بر گروه‌های سنی گوناگون جمعیت - حسن حیدری، رعنا اصغری یالقوز‌آغاجی، سید جمال‌الدین محسنی‌زنوزی - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۸۱ - ۱۰۰.
- ارزیابی سیاست‌های اجتماعی - جمعیتی سالمندی فعال در ایران و چالش‌های فرارو - نادر مطیع‌حق‌شناس - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۱ - ۱۲۰.

اثر پدیده سالمندی بر رشد اقتصادی - حسین راغفر، میر حسین موسوی و زهرا کاشانیان - فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۱-۱۳۲.

رساله نکاحیه؛ کاهش جمعیت، ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین - علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، رمضان المبارک ۱۴۲۵، چاپخانه دانشگاه مشهد.

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص سیاست های جمعیتی - ۱۳۹۱/۳/۲.

گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ - مرکز آمار ایران، مرداد ۱۳۹۱.

مطالب استخراج شده از مقالات با موضوع "تأثیر عوامل محیطی بر باروری" - شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، معاونت طرح و برنامه و تدوین سیاست.

**دکترین امنیت ملی آمریکا (20 March - Doctorin For The Armed Forces Of The United States - 2009)**

صحیفه نور - امام خمینی (ره) - ج ۷ - ص ۳۹۳.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در خصوص جمعیت مورخه ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

بررسی چالشها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران - محمود مشفق، ۱۳۸۹.

سیمای تحولات جمعیتی جمهوری اسلامی ایران - سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۰.

#### منابع مربوط به مقاله رسانه ملی:

اسناید، مایکل، «از هفت میلیارد به پانصد میلیون نفر: دستور کار نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت» (اسفند ۱۳۹۰)، ساحت غرب، سال نهم، ش ۱۰۳.

امانی، سید مهدی (۱۳۸۸)، جمعیت شناسی عمومی ایران، چ چهارم، تهران، سمت.

برگر، روبین، «تصویر اندام و زیبایی در رسانه» (آبان ۱۳۹۰)، سات غرب، سال نهم، ش ۹۹.

تقوی، نعمت الله (۱۳۷۸)، مبانی جمعیت شناسی، چ چهارم، تهران، جامعه پژوه و دانیال.

«خطر افزایش مجرد قطعی در جامعه» در: پایگاه اطلاع رسانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا): [isna.ir](http://isna.ir)

دارابی، سعدالله و دیگران، «پیامدهای اقتصادی-اجتماعی سالخوردگی جمعیت در ایران (۱۳۳۰-۱۴۳۰)» (دی ۱۳۹۱)، کتاب ماه اجتماعی، سال شانزدهم، ش ۵۸.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱)، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تحلیل کلان وضعیت فرهنگی کشور، بخش چهارم (وضعیت جمعیت ایران: گذشته، حال، آینده).

دموس، نانسی لی (۱۳۸۷)، دروغ‌هایی که زنان باور می‌کنند و حقایقی که آنها را آزاد می‌سازد، ترجمه و تلخیص پریسا پورعلمداری، قم، معارف.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، چ پنجم ف تهران، شرکت سهامی انتشار.

سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳، در: [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)

شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۰)، رسانه ملی؛ زن و خانواده، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

(۱۳۹۱)، رسانه ملی و تغییر سیاست‌ها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

شفیعی سروستانی، اسماعیل، «مجامع مخفی (خرداد ۱۳۹۱)، موعود، سال شانزدهم، ش ۱۳۶.

«ضرورت بازنگری در ساست‌های جمعیتی کشور»، میزگرد تخصصی با حضور دکتر سید رضا معینی و طه نوراللهی (دی ۱۳۹۱)، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، ش ۵۸.

طلعتی، محمد هادی «تاثیر آموزه‌ها و فتاوی‌ای شیعی در رشد و کنترل جمعیت» (زمستان ۱۳۸۴)، شیعه‌شناسی، سال سوم، ش ۱۲.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کولمن، جان (۱۳۸۰)، کمیته ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانریال ترجمه ی یحیی شمس، چ هشتم، تهران، فیروزه.

کیث، جیم، «بمب جمعیت»، ترجمه ی فاطمه شفیع سروستانی (مهر ۱۳۸۸)، موعود، سال چهاردهم، ش ۱۰۴.

گوانزالز، سرواندو، «میلیارد‌ها در خدمت نسل کشی» (خرداد ۱۳۹۰)، سیاحت غرب، سال هشتم، ش ۹۴.

لاوین، هوارد و استفان اچ. واگنر، «نگاهی به تاثیرات روانی و اجتماعی نمایش زنان در تبلیغات تلویزیونی» (بهمن ۱۳۸۷)، سیاحت غرب، سال ششم، ش ۶۷.

مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی: [www.iranculture.org](http://www.iranculture.org)

مغربی، نعمان بن محمد (بی تا)، دعائم الاسلام، قم، موسسه آل‌البیت.